

روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی ایران

شامل: متن قوانین - تصویبنامهها - صورت مفصل مذاکرات مجلس شورای ملی
سؤالات - اخبار رسمی - فرامین - انتصابات - آئین نامهها - بخش نامهها - آگهی های رسمی

شماره تلفن: اداره ۵۴۴۸ - اطاق رئیس ۹۴۴۱

سال سوم - شماره ۷۲۰

صفحه ۱۸۴۹

مدیر سید محمد هاشمی

۳ شنبه ۱۳ مرداد ماه ۱۳۲۶

دوره پانزدهم قانونگذاری

شماره مسلسل ۱۴۸۱

روزنامه یومیه

فهرست مندرجات

- ۱ - صورت مشروح بقیه مذاکرات چهارمین جلسه دوره پانزدهم از صفحه ۱ تا ۱۲
- ۲ - آگهی های رسمی ۱۳

مذاکرات مجلس

بقیه جلسه ۴

مجلس ساعت نه و سه ربع صبح بر ریاست آقای رضا حکمت به عنوان بعد از تنفس تشکیل گردید

فهرست مطالب:

- ۱ - بقیه مباحثه در اعتبارنامه آقای تقی زاده و تصویب آن
- ۲ - تصویب یک فقره اعتبارنامه (آقای نیکپور)

۳ - طرح انتخابات تهران راجع باعتبارنامه آقای دکتر امینی

رئیس - نظر باینکه در جلسه قبل تنفس داده شده مجلس امروز صورت خلاصه ندارد پیشنهاد آقای حسین مکی مطرح و یکمرتبه قرائت میشود که آقایان متوجه باشند بعد از مخالفت یک نفر رأی گرفته میشود.

(پیشنهاد آقای مکی بشرح زیر قرائت گردید.)
ریاست محترم مجلس شورای ملی - چون آقای تقی زاده فعلا غائب هستند و ما نمایندگان باید دفاع ایشان را بشنویم آنگاه رأی بدهیم استعدا داریم موضوع از دستور خارج شود.

دکتر عبده - بنده اجازه میخواهم.
مکی - بنده باین مختصر توضیحی پیشنهادم را استرداد میکنم و این توضیح اینست که...
رئیس - استرداد میکنید، توضیح دیگر لازم نیست، پیشنهاد دیگری در همین ردیف رسیده است (بشرح زیر قرائت گردید.)

ریاست محترم مجلس شورای ملی - بنده درخواست میکنم رأی نهائی باعتبارنامه آقای تقی زاده موکول شود که خودشان در مجلس حضور یابند و پس از شنیدن پاسخ ایشان رأی گرفته شود. ناصر قلی اردلان

رئیس - آقای اردلان.
اردلان - بنده یک نظر اصولی در اینخصوص داشتم. آقایان مسبوق هستند قانون انتخابات ماکه فعلا عمل میکنیم نواقص بسیاری دارد در دوره چهاردهم نشستیم نواقص را تا حدی که ممکن بود رفع کردیم تجدید نظری بعمل آوردیم که بعد بایست تصویب بشود یکی از آن نواقص اینست که اگر نسبت باعتبارنامه یک شخصی اظهار مخالفت بشود باید رأی در موقعی گرفته شود که خود او حضور داشته باشد. رأی یک فلسفه بسیار صحیحی دارد و من معتقدم که این اصل رعایت بشود. (یک نفر از

نمایندگان هنوز تصویب نشده است.) بنده هم عرض کردم که تصویب نشده است ولی این یک نظری بود که سابق گرفته شده بود آقای علی و کیلی و آقای وهاب زاده که اینجا تشریف ندارند بنده در سرسرا اسم خودم را نوشتم. بیایم در مجلس تقاضا کنم که تازمانیکه تشریف نیاورده اند مجلس اظهار عقیده راجع به اعتبارنامه آنها نکنند. این نظر بنده است. ممکن است آقایان نپذیرند ولی من آزادانه عقیده خودم را میخواهم عرض کنم وقتی اعتبارنامه یک نماینده در مجلس مطرح میشود همیشه دو موضوع مورد مذاکره واقع میگردد یکی راجع بچریان انتخابات است البته مغیر شعبه، اشخاصی که در محل بودند و اشخاصیکه از جریان انتخابات اطلاع دارند، کاملا میتوانند بیایند اینجا دفاع کنند، ولی یک وقتی است که معارض و معترض و کسی که مخالف است راجع بصلاحت شخصی آن نماینده صحبت میکند میگوید این بمملکت خیانت کرده. این راه راست نرفته، این اختلاس کرد، (رئیس ماده ۶۴ را هم رعایت کنید اطاعت میشود. بنده عرض میکنم این شخص باید خودش باشد و دفاع کند. کوچکترین محکمه ای که در همه جای دنیا تشکیل میشود، اگر یک کسی اعتراض میکند تا قاضی طرف را نخواهد و نپرسد رأی نمیدهد. این مجلس شورای ملی است باید مشرق باشد برای تمام دوایر قضائی مملکت آمدیم و خدای نکرده (بنده از اشخاصی هستم که با آقای تقی زاده رأی خواهم داد) ولی آمدیم و غلطی

• این مذاکرات مشروح چهارمین جلسه از دوره پانزدهم قانون گذاری

اداره تند نویسی و تحریر صورت مجلس

نکرده اکثریت مجلس رای نداد (حاذقی اینطور نیست) فرض محال محال نیست. بنده شخصاً رای میدهم ولی فرض محال محال نیست اگر رشد شا جواب تقی زاده را چه میدهد؟ (اقبال - جواب جیش را چه میدهد؟ جواب خودش که هیچ) آنوقت میگوید بصلاحت من اعتراض کردند و نگذاشتند من بیایم و از حق خودم دفاع کنم.

رئیس - ماده ۶۳ را رعایت کنید.
اردلان - بنده عرضی ندارم اگر آقایان مطمئن هستند که صد درصد اعتبارنامه ایشان تصویب میشود بسیار خوب. (جمعی از نمایندگان - مابا کمال میل رای میدهم) (بعضی اسفندیاری - مابرای ایشان مطمئن هستیم) ...

رئیس - رعایت نظم مجلس را بکنید.
اردلان - اگر مطمئن هستید که باعتبار نامه ایشان مجلس رای میدهد بنده موافقت میکنم والا اجازه بدهید که خودشان تشریف بیاورند از اعتبارنامه خودشان دفاع بکنند این بود نظر بنده.

دکتر عبده - بنده مخالفم.
رئیس - آقای دکتر عبده.

دکتر عبده - بنده یقین دارم آقای اردلان در این پیشنهاد هیچ وجه سوء نیتی نداشته و ایشان مانند اکثریت بلکه اتفاقاً مجلس شورای ملی بگذرانند اعتبارنامه شخص آقای تقی زاده کمال علاقه را دارند ولی استناد ایشان بیک نظامنامه ای که هنوز تصویب نشده است درست نیست. اگر یک روزی تصویب شد آنوقت مطابق آن نظامنامه رفتار خواهیم کرد (صحیح است) ولی در هر حال آن نظری که واضعین نظامنامه در مورد وضع این ماده داشته اند مسلماً در مورد تقی زاده نیست برای اینکه زندگی تقی زاده مربوط بیک زندگی شخصی و خصوصی نیست. (صحیح است) زندگی تقی زاده را تاریخ ایران کاملاً مجسم کرده و تشریح کرده و هر کسی حتی کسانی که مدرسه متوسطه را دیده اند اینها از زندگانی شخصی تقی زاده که توأم بود با شرافت و حیثیت، کاملاً مستحضر هستند و چون هیچ نکته مجهولی در باب زندگانی ایشان نیست و بیش از چندین نفر داوطلب هستند که با کمال افتخار از شخص تقی زاده دفاع کنند بنظر بنده آقای اردلان بهیچوجه نگرانی نداشته باشند و یقین داشته باشند که همه ما از ایشان دفاع خواهیم کرد و مطمئن باشند که زندگانی تقی زاده مربوط بزندگانی همه ملت ایران است (صحیح است) متعلق بشخص ایشان نیست و نمایندگان ملت بایستی از ایشان دفاع بکنند و ما این دفاع را خواهیم کرد و حتماً بایشان رای خواهیم داد.

رئیس - پس رای میگیریم و برای رای گرفتن پیشنهادی از آقای دکتر شفق رسیده.

دکتر اعتبار - این مربوط باین نیست.
جمعی از نمایندگان - آقای اردلان پیشنهادشان را پس میگیرند.

اردلان - بنده پیشنهاد را پس میگیرم.
دکتر اعتبار - آقا اول این را رای بگیری.
رئیس - ایشان پس گرفتند آقا میخواهید رای بگیری؟ (خنده نمایندگان) پیشنهاد آقای دکتر شفق خوانده میشود (شرح زیر قرائت شد)

ریاست مجلس شورای ملی - پیشنهاد میکنم راجع باعتبارنامه آقای تقی زاده بقید توضیح ذیل رای گرفته شود:

مجلس شورای ملی پس از استماع بیانات آقای عباس اسکندری و موافقین آقای تقی زاده اعلام میدارد که رای بصلاحت آقای تقی زاده هرگز مستلزم تصدیق ضمنی از مطالب دیگر سیاسی و حقوقی بتفصیلی که در بیانات آقای اسکندری و موافقین مذکور افتاد نخواهد بود و در این رای نظر منحصراً بصلاحت شخصی و جریان انتخابات تقی زاده است.

دکتر عبده - بنده یک اظهاری داشتم.
رئیس - برطبق چه ماده ای است.
دکتر عبده - ماده اش را نمیدانم.

رئیس - این نظامنامه را بدهید آقای دکتر عبده هر وقت ماده بنظرشان آمد آنوقت اعتراض نمایند. اگر آقایان دیگر هم میخواهند یکی دیگر هم برایشان بفرستم.

دکتر عبده - این مربوط برای است.
رئیس - آقای دکتر شفق

دکتر شفق - بنده در باب آقای تقی زاده بمناسبت اینکه آذربایجان هستند در یکی دو جلسه قبل گوراج با آذربایجان و آذربایجان یک احساساتی در مجلس ابراز شد مناسب ندیدم مداخله کنم. بنده اساساً در باب اعتبارنامهها یک روش خاصی برای خودم اتخاذ کرده ام اما یک نکته را لازم دانستم تذکر بدهم و آن نکته را عرض آقایان نمایندگان محترم میرسانم در توضیحات آقای اسکندری متوجه شدند آقایان کدر ضمن، یک جمله ای نظیر اینکه بنده درست عبارتش در نظر من نیست فرمودند و آن این بود که فرمودند: اگر نمایندگان مجلس شورای ملی بصلاحت آقای تقی زاده رای دادند ناچار راجع بادامه قرار داد نفع و بعضی اقدامات ناگوارای که از ناحیه دولت بریتانیای قدیم (چونکه دیگر دولت بریتانیایان وضع و سیاست گفته گویا حالا انشاءالله وجود ندارد) (جمعی از نمایندگان - انشاءالله) شده است ضمناً آن سیاست را تصدیق کرده ایم. بنده خواستم این قسمت کاملاً روشن بشود که ما اینجا دو نفره بقول مرحوم مدرس مطلب داریم یکی صلاحیت و وطن پرستی و درستی و خدمات شایان سید حسن تقی زاده نسبت بایران که بنظر بنده ولوتصدیق کنیم که بعضی راههای اشتباه در زندگی سیاسی گرفته باشد بنظر بنده سابقه خدمات قلمی و صمیمی او نسبت بکشور و ملت ایران مسلم است (صحیح است) یکی هم راجع بجزایر انتخابات ایشان است اما یک مطلب دیگری هم هست که ایشان راجع بتاریخ روابط با دولت سفق بزرگ ما دولت معظم بریتانیا فرمودند. رای دادن بشخص تقی زاده بهیچوجه من الوجوه ارتباطی با رای دادن بآن مسائل نخواهد داشت. (صحیح است) یک دولت بریتانیایی بود در مقابل هم مظفرالدین شاه مرحومی بود و در مقابل آنها هم یک اوضاع دیگر سیاسی در آن موقع بود ما میدانیم که از آن موقع تا زمان ما ۲ جنگ بزرگ جهانی پیش آمد و در هر یکی نصف این جهان خراب شد. اساس هر دو جنگ بتصدیق تمام ملتها آن وقت بموجب مواد ۱۴ گانه ویلسون و این وقت بموجب سازمان ملل متحد (که ما با کمال افتخار عضو آن سازمان هستیم) موضوع جمعیل

قرار دادهائی بود که در آن قرار داد حافظ منافع یک طرف مرعی نشده باشد و بضرر یک طرف دیگر تمام شده باشد و غالباً اعمال نفوذ سیاسی غیر مشروع شده باشد. اساس این قرار دادها انشاءالله بخصوص بموجب منشور سازمان ملل متحد از بین رفت. امروز دولت بریتانیا یک دولت عادلانه سوسیالیستی است که میخواهد تمام ملل دارای حقوق و استقلال شخصی خودشان باشند. ایران هم یکی از دولتی است که از قدیم استقلال داشته است و انشاءالله تا ابد اهلر استقلال خواهد داشت و ما در هر عهد نامهای در هر قراردادی، در هر روابط سیاسی، بموجب تقاضا برادرانه متکی بحسن نیت بین ملل بزرگ عالم، حق تجدید نظر خواهیم داشت و انشاءالله بعد از اینهمه خونخواری و خرابی که بجهان و جهانیان روی داد دیگر ترس و واهمه درباره اظهار مسائل حق در جهان وجود نخواهد داشت (جمعی از نمایندگان - انشاءالله). از این لحاظ ما با حسن نیت نسبت به متفقین خودمان و با وعده ای که خود آقای اسکندری فرمودند که مجلس در هر موقعی میتواند در هر قرار دادی اظهار نظر کند ما با زهم تکرار میکنیم که منحصراً بشخص تقی زاده (که از بنده شایسته نیست و من نیایستی بواسطه احساسات آذربایجانی مخالفه کنم) رای میدهم و صرفاً این رای روی سوابق خدمت او است و منحصراً باین نیت رای میدهم (صحیح است) **رئیس** - رای میگیریم باعتبار نامه آقای تقی زاده با رعایت پیشنهاد آقای دکتر شفق.

دکتر عبده - بنده بموجب ماده ۸ عرضی داشتم اجازه میفرمائید. ماده ۸ میگوید وقتیکه مباحثات لایحه بطور کلی ختم شد باید بپردازان رای گرفته شود. در اینجا مباحثه تمام نشد و این فورمول رای وقتی است که بحث تمام شده باشد و هنوز مباحثه تمام نشده است. بنده با پیشنهاد آقای دکتر شفق کمال موافقت دارم ولی بجای خودش رای نیست بآن گرفته شود. بنظر بنده اجازه بفرمائید که مباحثات تمام بشود بعداً نسبت به پیشنهاد آقای دکتر شفق رای گرفته شود.

رئیس - مباحثات تمام شده (دکتر عبده تمام نشده است) بر طبق ماده ۱۰۸ باید موافق و مخالف بترتیب حرف بزنند آقا که موافقید. مخالفی وقتی نباشد بدو موافق نمیشود اجازه داد مگر اینکه مخالفی صحبت کرده باشد (دکتر عبده صحیح است) بنا بر این مباحثات تمام شده بود که این پیشنهاد را خواندیم.

امیر تیمور - بنده تذکر دارم.

رئیس - حالا موقع تذکر نیست راجع به پیشنهاد آقای دکتر شفق مخالفی هست؟

اسکندری - بنده مخالفم.
رئیس - وقتی مخالف دارد بنده مجبورم اجازه بدهم مخالف صحبت کنند. بفرمائید آقای اسکندری.

عباس اسکندری - مخالفت بنده با پیشنهاد آقای دکتر شفق از دو جهت بود یکی اینکه چنانچه آقای دکتر عبده فرمودند اصلاً مذاکره ای نشده جواب ایرادات بنده از طرف مجلس شورای ملی و نمایندگان داد نشده است و این موضوع بزرگتر از آنست که بشود با سرپوشی روی آثر پوشاند

نیشود. در این مجلس مکرر مذاکره شده راجع به اینکه ۵۰ تومان میخواهند برای یک پاسپاتی که در سر انجام وظیفه مرده یا کشته شده باو حقوق بدهند برای ۵۰ تومان دو جلسه صحبت شده است و بعد هم وزیر داریائی پاشا شده گفته در بودجه محل نداریم (ملک مدنی خارج از موضوع است) و بعد ۵۰ تومان را ۲۵ تومان میکنند. دو جلسه صحبت شده (دکتر عبده - راجع به پیشنهاد است) اجازه بدهید راجع به همین موضوع است هنوز مذاکره ای نشده است. کمیتهی پیشنهاد بشود. یک موضوع مهم مملکتی که من امیدوارم در سایه توجه آقایان نمایندگان به نفع و خیر و صلاح مملکت خاتمه یابد و در اینجا همگی با یک صراحت لهجه، با یک ذهن روشن با یک وجدان آرام و فارغ قدمی بردارید که این لکه ای که بر خرابی و تضییع ما و اقتصاد ما و مملکت ما و بدبختی مملکت ما کمک کرده است او را برداریم (یکی از نمایندگان - لکه نیست اینطور نیست) یعنی موافقید کاین قرار داد باین صورت (مهمه نمایندگان) (یکی از نمایندگان - قرار داد چیست آقا حرف قرارداد را زانید) (دکتر عبده - حرف و ادونه چرا میزنید. مبالغه میکنید) بنده همین رادم میخواهد که آقایان نمایندگان تصریح بفرمایند چون این موضوع موضوعی است که قابل بحث است باید حقوق مملکت ایران این را باید گفت یک قدری رعایت انصاف را بفرمائید و در مطالب منطق را دخالت بدهید ...

رئیس - شما راجع باین پیشنهادی که آقای دکتر شفق کرده اند باید صحبت بفرمائید و در موضوع دیگری صحبت نکنید.

عباس اسکندری - در اطراف این پیشنهاد است. مخالفت بنده از دو باب است یکی اینکه مذاکره و جوابی بایرادات بنده داده نشده است. باور بفرمائید که هیچ قسم نظر شخصی با آقای تقی زاده نیست. قسمت دوم ... (نور الدین امامی - یادتان رفت) خیر راجع به تفکیک عمل از شخص است عقیده دارم که این پیشنهاد وقتی طرح میشود من حتم محفوظ است که مذاکرات کافی نیست و دلایل و اسناد دیگری هم دارم که در این جا عرض آقایان نمایندگان محترم مجلس برسانم.

رئیس - تمام شده است زیرا که مجلس مذاکرات را کافی دانسته و صورت مجلس حاضر است آن را ملاحظه بفرمائید.

عباس اسکندری - رای بکفایت مذاکرات گرفته نشده است.

رئیس - کسی که مخالف نبود که رای گرفته شود در مواردی که مخالفی هست رای گرفته میشود.

عباس اسکندری - بنده مخالفم، موضوع دو تا است البته مجلس میتواند بگوید مذاکرات کافی است و رای هم بدهد و بنده هم اصلاً چیزی نمیتوانم بگویم ولی باید گفته شود که مذاکرات کافی است یا نه ...

رئیس - گفته شد.
عباس اسکندری - هر چه باشد البته اختیار رای بکفایت مذاکرات یا ادامه مذاکره با مجلس

است بنده بکنفرم و در حدود نظامنامه و اجازه ای که بمن بدهند میتوانم حرف بزنم و وقتی هم که بمن اجازه ندادند نمیتوانم حرف بزنم. اگر مجلس اجازه داد که من حرف بزنم و اگر هم بکفایت مذاکرات رای گرفته شد و کافی ندانستند بنده باز عرایض را میکنم والا بعنوان مخالف در کفایت مذاکرات صحبت خواهم کرد.

دکتر شفق - بنده راجع به پیشنهاد یک توضیحی دارم.

رئیس - به پیشنهاد آقای دکتر شفق اگر یکی از آقایان توضیحی داشته باشد مختصر میفرمائید صحبت کنند.

دکتر شفق - اینجا سوء تفاهمی روی داد بنده بهیچوجه عرضی نکردم که مذاکرات کافی باشد یا نباشد. نیتان روز دیگر هم هر یک از آقایان میخواهند صحبت بکنند بکنند. بنده خواستم قبلاً اذهنان آقایان روشن بشود که بعد از مذاکرات موقمی که برای رسیدن آنوقت مطابق این پیشنهاد رای بگیرند (صحیح است) بعضی از نمایندگان - رای می گیریم بعضی دیگر - رای ندارد.

یک نفر از نمایندگان - بنده پیشنهاد می کنم راجع به اعتبارنامه رای بگیرند.

رئیس - بنده میخواهم رای بگیرم عده کافی نیست. آقای دکتر معظمی.

دکتر معظمی - اگر پیشنهاد آقای دکتر شفق قرائت بشود موضوع روشن میشود آقای دکتر شفق پیشنهاد فرمودند که مجلس شورای ملی پس از استماع بیانات آقای اسکندری و موافقین چنین رای بدهد، بنابراین نظر آقای دکتر شفق این است که در موقمی که باعتبار نامه آقای تقی زاده رای گرفته می شود باین فورمول باشد.

حاذقی - نوبت آقای مسعودی است.

یهمین اسفندیاری - رای بگیری.
رئیس - پس باین فورمول رای گرفته میشود بنمایندگی آقای تقی زاده. (مهمه نمایندگان) اجازه بفرمائید باین فورمول این را رای بگیریم.

عباس مسعودی - بنده با اعتبارنامه موافق اجازه بفرمائید صحبت بکنم.

حاذقی - هنوز موافق صحبت نکرده باید صحبت بکنند (ملک مدنی - اجازه میفرمائید) آقای مسعودی بعنوان موافق صحبت میکنند.

رئیس - آقای مسعودی شما اجازه ای که گرفته بودید راجع به پیشنهاد آقای مکی بود که پس گرفتید.

مسعودی - بنده بعنوان موافق باعتبار نامه آقای تقی زاده میخواهم صحبت کنم.

رئیس - بعنوان موافق میخواهید صحبت کنید؟ موافق که مجلس تمام شده است حالا می خواهید بفرمائید صحبت کنید.

امیر تیمور - بنده چون مخبر هستم عرایض ناتمام است.

رئیس - یک مرتبه صحبت کرده ایید در جلسه قبل.

امیر تیمور - عرایض بنده متممی دارد که باید متمم عرایضم را عرض کنم این حق برای من محفوظ

است و بنده از جناب آقای مسعودی تمنا می کنم اجازه بفرمائید عرایضم را تمام کنم بعد اجازه جناب عالی محفوظ است.

رئیس - دومرتبه که نمیشود صحبت کرد.

امیر تیمور - عرض کردم بنده متممی دارم. **رئیس** - شما دیگر حق ندارید صحبت بکنید.

امیر تیمور - شما آقا نمیتوانید این حق را از بنده ساقط کنید.

رئیس - شما روز گذشته متممی فرمودید و از پشت تریبون یائین آمدید.

امیر تیمور - بنده در جلسه گذشته بواسطه نفاذ بواسطه ضعف مزاج عرایض خودم را به اختصار کردم و عرایض بنده ناتمام ماند و باید تمام بشود زیرا جواب آقای اسکندری تمام و کمال داده خواهد شد.

رئیس - بفرمائید بنشینید.

امیر تیمور - حق مخبر را که نمیشود ضایع کرد مخبر همیشه حق دارد حرف بزند.

رضوی - نظامنامه میگوید رئیس وقتی اجازه بدهد اجازه اش قطعی است.

رئیس - حالا آقای مسعودی باید صحبت کنند.

امیر تیمور - حق مخبر همیشه محفوظ است و چندین مرتبه میتواند صحبت کنند.

رئیس - آقای مسعودی بفرمائید.

عباس مسعودی - قبل از اینکه عرایض خودم را شروع کنم از آقایان محترم تمنی دارم که عرایض من توجه فرمایند و مخصوصاً تمنی دارم قدری حوصله و شکیبائی بخرج دهند تا همه حرفها اینجا زده شود و بغبار شهبات برطرف گردد من تقی زاده را با کتر و تنزه و معروف تر از این میدانم که از او دفاع کنم و یا او را در اینجا معرفی نمایم و یا از آقایان نمایندگان محترم تقاضا کنم باعتبار نامه و صلاحیت او رای بدهند.

تقی زاده را چهل سال خدمت گرانهای سیاسی و ادبی و علمی او ملت ایران معرفی کرده و در همین تالار و در همین مجلس - در مجلس هائی که امثال مرحوم مشیرالدوله و مرحوم مستوفی الاممالک و مرحوم مدرس و آقای مؤتمن الملک بوده اند اعتبار نامه او رای داده اند و صلاحیت او را برای نمایندگی ملت تصدیق کرده اند و حتی ستوده اند. (صحیح است)

همینطور که من خود را بی نیاز از معرفی و دفاع از آقای تقی زاده میدانم لازم هم نمیدانم درباره آقای عباس اسکندری و کتاب آرزو و هدفها و مقاصد ایشان صحبت کنم ایشان را هم خوشبختانه هم آقایان محترم و هم ملت ایران خوب میشناسند (صحیح است) و اگر لازم شد روزی کتاب و پر بنده ایشان هم روی این میز گسترده خواهد شد اما نه از نوع کتاب و پرونده ای که ایشان برای آقای تقی زاده باز کرده بودند آنوقت مردودی که در آن جز لغت نیست بهتر شناخته خواهد شد (امیر تیمور - صحیح است) بنده اینجا آمده ام تا مسطه هائیرا که درباره آقای تقی زاده شده و اسنادی را که آقای عباس میرزای اسکندری بر علیه آقای تقی زاده پیدا کرده اند تجزیه و تحلیل کنم. مهم ترین سند آقای عباس میرزای اسکندری که در جلسه قبل هم دور سر میگرداند

وبالا وپائین میرد و فریاد میکرد سند خیانت و رشوه گرفتن تقی زاده است و حتی حوصله نمیکرد که موقع خودش وقتی صحبت از نفت میکند آنرا مطرح نماید. مجله لندن نیز بود که اظهار کرد ندرسجان سایمون وزیر مالیه آرزوی انگلستان در آن نوشته که برای تجدید امتیاز نفت دولت انگلستان سه میلیون لیره پرداخته و سعی داشت اینچور وانمود کند که این سه میلیون لیره توی جیب تقی زاده رفته است حالا بنده قضیه این سه میلیون را وقتی صحبت از نفت در میان آمد برای آقایان خواهم گفت که بر طبق ماده ۲۳ امتیازنامه بوده و بنگاه پس از امضای امتیازنامه بوسیله کمپانی بختانه دولت ایران واصل شده و در جزو درآمد دولت هم منظور شده است در هر حال آن اولین سند و بزرگترین حربه آقای اسکندری بود بر علیه تقی زاده که هی از وسط کاغذها بیرون میآوردند و نشان میدادند و طوری ژست و حرکت بخودشان میدادند که برای منم شبهه دست داده بود که خدایا این سند چیست؟ تقی زاده سه میلیون لیره یعنی چه؟

بهر حال بنده اگر موضوع مجله لندن نیز در اهرس کردم بطور معترضه بود. حالا برویم بر سر نقاط ضمنی که حضرت والا بقول خودشان پس از ده سال تجسس در تاریخ، در زندگی چهل ساله سیاسی آقای تقی زاده پیدا کرده اند. این نقاط ضمه در چیز بود یکی متحصن شدن آقای تقی زاده پس از توب بستن مجلس در سفارتخانه انگلیس و دوم مسئله تجدید امتیاز نفت جنوب.

در قسمت اول راجع بمتحصن شدن آقای تقی زاده در سفارت انگلیس حق این بود که این موضوع را آقایانی مانند آقای محمود محمود توضیح میدادند. برای اینکه ایشان از روز اول جشن مشروطیت با تقی زاده بودند و از میزان فداکاری و شجاعت و دلیری و یابرداری تقی زاده در آن ایام و بعد از آن خوب آگاهند در هر حال (آقایان) آرزو که تقی زاده سفارت انگلستان پناهنده شد اولاً تقی زاده تنها نبود اشخاص زیادی مثل آقای قاسم صور و آقای علی اکبر دهخدا و مرحوم خیابانی و در حدود ۲۰ تن از آزادیخواهان بنام معروف نیز سفارت انگلیس پناهنده شده بودند و بطور قطع و یقین و بوجوب اسناد و مدارک مسلمی کدر دست است اگر تقی زاده و دهخدا بدست لباخوف و شاپشال و در خیابان افغانه میافتادند هیچکس جان سلامت بدر نمیبردند (صحیح است) مرحوم محمدعلی میرزا مکرر گفته بود که من حاضرم صدای هفت تیر را در گوش بشنوم و لسی صدای تقی زاده را نشنوم و بطور قطع و یقین با مر محمدعلی میرزا آنها را کشته بودند و اگر محمد علی میرزا بفرض محال نسبت با آنها ترحم میکرد، چون نقشه کشته شدن آنها مانند نقشه بمباران مجلس و کودتای لباخوف بوجوب سندی در ارکان حرب ففقر طرح شده بود شاپشال و لباخوف آنها را میکشند.

گذشته از اینکه اگر تقی زاده و دهخدا که با هم متحصن شدند و با هم تبعید گردیدند برای حفظ جان خود سفارت انگلیس پناهنده شده اند که اغیر قابل غفرانی نکرده اند تازه این عمل آنها بر خلاف عرف و عادت آن زمان بوده است، زیرا در آن هنگام انگلیسها با آزادیخواهان ایران کمک میکردند و مایون ایران

هم از کمک و مساعدت آنها بفتح وطن و کشور عزیز خود استفاده میکردند و عیب اینجاست که خود آقای اسکندری هم باین حقیقت اعتراف کرده اند و باین موضوع در جلد دوم کتاب آرزوی خود همین کتاب آرزوی خود ایشان در صفحه (۱۲۰) اشاره کرده اند که حالا بنده برای آقایان میخواهم دولت انگلیس برای منافع مستعمرات قاره آسیا تاحدها بکن از تجاوزات جهانگیری روسیه تزاری مخالفت بعمل آورد و باید تصدیق کرد که این اقدامات اگر چه بمنظور نفع امپراطوری بریتانیا بود ولی ملت ایران هم از آن سهم و بهره برد و بالاخره با کمکهای جمع کرده اند خلاف این مطلب را ثابت میکنند موضوعی که سبب شده بود سفارت انگلیس در تهران از محمد علی میرزا رنجش حاصل کند و موجب شد که وزیر امور خارجه از طرف دولت ایران و وزیر دربار از جانب شاه سفارت انگلیس بروند و رسماً معذرت بخواهند بطوریکه همین اسنادی که آقای اسکندری در کتاب خود جمع کرده اند حکایت میکند بواسطه این بود که قزاقها و سربازان محمد علی شاه سفارت انگلیس را محاصره کرده بودند و مزاحم بعضی از اتباع انگلیس و کسانی که در سفارت آمد و رفت داشتند شده بودند و برای اینکه آقایان بدانند من از خود این حرف را نمیزنم تلگرافی را که پادشاه انگلستان بمحمد علی میرزا نموده از صفحه ۱۱۹ کتاب آرزوی آقای اسکندری برای شما میخوانم متن تلگراف آمد وارد هفت پادشاه انگلستان که توسط وزارت خارجه انگلیس و سفارت انگلستان در تهران در جواب محمد علی شاه مخابره شده است.

تلگراف سردار دگری بمسئور مارلینگ وزارت خارجه ۲۹ ژوئن ۱۹۰۸ لطف نموده ترجمه تلگراف ذیل را که از طرف اعلیحضرت پادشاه انگلستان بعنوان شاه ایران مخابره شده تقدیم نموده سواد آن رانزد وزیر امور خارجه بفرستید.

«تلگراف ۲۶ شهر جاری اعلیحضرت شما واصل گردید من بهیچوجه من الوجوه میل نداشته و منافعی برای خود در نظر ندارم کدر امورات داخلی مملکت شما دخالت نمایم و امید دارم شما در آن مملکت از روی عدالت و انصاف سلطنت خواهید فرمود کسیراً بتحصن در سفارت تهران دعوت ننموده ایم و اگر چه بعضی از رعایای شما از ترس جان خود خواسته اند در آنجا پناهنده شوند اعلیحضرت شما بخوبی آگاه هستید در مملکت شما مرسوم نیست که از پناه دادن باشخاصی زنده بودن و حفظ حیات خود تلاش کرد زیرا اگر برای حفظ جان بود لازم بود هنگامیکه او را از ایران تبعید کردند دست از فعالیت خود بردار ولی بطوریکه همه آقایان آگاهید تقی زاده پس از اینکه از ایران تبعید شد بهیچوجه دست از فعالیت و کوشش خود برای تجدید آزادی و مشروطیت در ایران بر نداشت و در تاسیس انجمن سعادت در خاک عثمانی و کمکهایی که آن انجمن با آزادیخواهان تبریز نمود نیز تأثیر بسیاری داشت و خود او هم پس از چندی با آزادیخواهان تبریز بیوست اینجا دیگر آقای مقانی بهتر از همه آگاهند که چه اندازه برای تجدید آزادی و مشروطیت ایران در تبریز تلاش کرد پس اگر تقی زاده تن بکشتن نداد برای این بود که جان خود و زندگانی خود را برای خدمت

ملاحظه نمودید نامی از تقی زاده نیست و علت رنجش سفارت انگلیس کاملاً روشن است در سایر نامهها و تلگرافات هم هر جا نام برده شده نام از متحصنین بطور کلی است که عده آنها چنانچه عرض کردم دوست نفر بوده اند. حالا برویم بر سر موضوع خروج تقی زاده از ایران در اینجا هم آقای اسکندری آنچه قوه تصور و تخیل ایشان اجازه میداد سعی کردند مطلب را بزرگ کنند و آب و تاب و رنگی بدان بدهند در صورتیکه حقیقت این است که تقی زاده بیل خود از ایران خارج نشد بلکه محمد علو میرزا اصرار در تبعید تقی زاده و چهار نفر دیگر از ایران داشت و بدین شرح رضایت داده بود که دو دست نفر متحصنین سفارت انگلیس را عفو کند و تقی زاده و زعمای مشروطیت از ایران نفی بشوند (صحیح است) و در این موضوع هم اسناد و مدارکی که آقای اسکندری در کتاب خود آورده اند همه نشان میدهند که این فقط و فقط با اصرار خود محمدعلی میرزا صورت گرفته و نه تقی زاده و برای نمونه یکی از این نامهها را باز از کتاب آرزوی آقای اسکندری برای شما میخوانم. در صفحه ۱۲۱ تلگرافی است که مسز مارلینگ به سردار دگری میبکند ممکن است بعضی از متحصنین از قبول شرایطی که بالاخره مابین دولت و دولت برقرار شود امتناع ورزیده محض آنکه سفارت اعلیحضرتی را آلت پیشرفت یلتیکی خود قرار دهند بخرج از آنجا مایل نباشند هر گاه اشخاص مذکور را بدولت ایران تسلیم نمایند تأثیر آن در ایران غیر مستحسن خواهد بود و از وصول تعلیمات شما در این باب خوشنود خواهم گردید. در هر حال این واقعه که برای آقای تقی زاده اتفاق افتاده یک موضوعی است که نه خود آقای تقی زاده پنهان کردند و نه بر هیچیک از رجال و آزادیخواهان صدر مشروطه ایران پوشیده بوده است و نه هیچکس قبل از آقای اسکندری آنرا دلیل خیانت آقای تقی زاده دانسته است، درباره سید حسن جبل المین، امیر حشمت نیساری، بهاء الواعظین، محسن نجم آبادی محمد علی خان تربیت، مؤید کاشانی که همه از آزادی خواهانی بودند که دچار سرنوشت آقای تقی زاده شدند چه میفرمائید در باره آزادیخواهان تبریز از قبیل حاجی مهدی آقا کوزه کنانی که در حقیقت پدر مشروطیت بشمار میرفت و حاجی محمد تقی چایچی که از مجاهدین درجه اول راه مشروطیت بود و چند نفر دیگر که بعداً روسها آنها را اعدام کردند مرحوم شریف زاده - آقای میرزا حسین واعظ و جمع زیادی که همه به قونسولگری های انگلیس و عثمانی متحصن گشتند چه میفرمائید؟ تمام و کلاهی مجلس اول بعد از بمباران مجلس در قلهک متحصن شدند زیرا قلهک تا قبل از طلوع سلطنت اعلیحضرت بهلوی در نتیجه فرمان لغو بی معنی و بی منطق مرحوم فتحعلی شاه انگلیسها آنها را خاک خود میدانستند و تا ورود مجاهدین بریاست مرحوم سردار اسعد به تهران در آنجا بودند و حتی بعد از آنکه مرحوم سردار اسعد وارد شد و با آنها سفارش داد که به تهران بیایند چون راه در دست پیروان محمد علی میرزا بود جرأت نکردند بجز آقای حکیم الملک همین

آقای حکیم الملک که خود را از آنجا خارج کردند و تهران رسانند. این امر ساده را آقای اسکندری دلیل خیانت آقای تقی زاده آورده اند و اگر مردمانی نظیر مرحوم مشیرالدوله و مدرس و مستوفی و مؤتمن - الملک هم که در همین مجلس در ادوار گذشته تقبینه با آقای تقی زاده همکاری میکردند در نظر ایشان لابد خیانت بوده است.

از این قسمت میگذریم و اما مسئله نفت: اولاً در اینجا بنده لازم میدانم عقیده خود را عرض کنم که من شخصاً مدافع یا طرفدار امتیاز یا تجدید امتیاز نفت نیستم و آرزو دارم که خداوند بیاورد این مجلس توفیق عنایب فرماید که تمام امتیازات را که اجانب در کشور ما تحصیل کرده اند از بین ببریم (صحیح است) و منابع ثروت ما بدست خودمان بیفتد (صحیح است) و کشور ما از مداخلات اجانب اعم از اقتصادی و سیاسی برکنار گردد (صحیح است) من همانطور که بکرات در روزنامه اطلاعات نوشته ام باید کوشش و مجاهدت کنیم دست اجانب از ایران کوتاه گردد (صحیح است) و همسایگان معظم و دوست ما باید بجهت زحمت و خسارتها بیکه دولت و ملت ایران در رام پیروزی آنها در این جنگ متحمل شد در باره ملت ایران گذشتهایی بزرگ بنمایند و اگر آنها گذشت نداشتند ملت ایران و نمایندگان ملت باید در تقویت روح ملی و پیروی از سیاست ملی و تکیه کردن بر افکار عمومی بدون توجه به هیچ بیگانه ما قطع ایادی و نفوذ هر بیگانه دست باصلاحات زند و منابع ثروت خود را بکار بندد (ببین اسفندیاری - صحیح است)

اما راجع بمسئله تجدید امتیاز نفت جنوب بنده در اینجا باید عرض کنم که اولاً نماینده دولت هنگام مذاکره برای تجدید امتیاز نفت تنها تقی زاده نبوده بلکه مرحوم فروغی وزیر امور خارجه وقت، مرحوم داور وزیر دادگستری و آقای علاه وزیر مختار ایران در پاریس در آن زمان این چهار نفر نماینده دولت ایران بودند و گذشته از این که عموم آقایان تصدیق دارند که نه مرحوم فروغی و نه علاه و نه داور و نه تقی زاده کسانی نبوده اند که عالماً و عامداً بضرر و زیان ملت ایران قدمی بردارند (صحیح است) بیرونده نام و اطلاعاتی که در این مورد هست همه حکایت از این میکنند که این چهار نفر رجال پاکدامن و شریف ایران که متأسفانه دو نفر از آنها اکنون در گذشته اند تا آنجا که در قوه و قدرت و توانایی آنها بوده در لایحه تجدید امتیاز برای حفظ حقوق ایران مجاهدت کرده اند (امیر تیمور - صحیح است) و البته آقایان وقتی میخواهند در این موضوع قضاوت کنند باید تمام اوضاع و احوال سال ۱۹۳۳ را که این واقعه در آن تاریخ روی داده و قدرت و نفوذی را که انگلستان در آن تاریخ در تمام اقطار جهان مخصوصاً در جامعه اتفاق مال داشته در نظر بگیرند و بمسئله امتیازنامه جدید را با امتیازنامه داری بسنجند آنوقت متوجه خواهید شد بطور قطع اگر آقایان بدین شکل که عرض شد موضوع را مورد مطالعه قرار دهند آنوقت تصدیق خواهند کرد که تقی زاده در اینجا هم تا جایی که قدرت و اقتدار داشته در راه حفظ منافع کشور خود کوشیده است.

امتیازنامه داری که مرحوم رضاشاه مقید دستور الفای آنرا در سال ۱۹۳۳ صادر کرد بپنزل نهنجیری بود که بر منابع ثروت کشور بیچیده شده بود این نهنجیر با الفای امتیاز نامه پاره شد و ایران از لحاظ نفت و وجهه بین المللی پیدا کرد زیرا بوجوب امتیازنامه داری منقطعاً نفت تمام کشور ایران بود با استثنای پنج ایالت آذربایجان - گیلان - مازندران - گرگان و خراسان این منطقه عظیم محدود گردید بیکصد هزار میل مربع از کرمانشاهان بقطب مستقیم تا بندر عباس که شرکت متمهد گردید در ظرف سه سال نقشه برداری کند و نقاطیکه در نقشه وجود ندارد منقطعاً نفت خارج و آزاد باشد.

از این مهمتر در نتیجه الفای امتیازنامه داری انحصار لوله کشی نفت در ایران از دست شرکت نفت خارج شد و همین انحصار و ممنوعیت لوله کشی بود که تمام منابع زیرزمینی ایران را و نقاط دیگر بی ارزش و مصرف ساخته بود زیرا مواد نفتی باید با لوله تا سواحل دریا انتقال یابد و لوله کشی در منطقه امتیاز داری مجال بود تا این ماده بود دست ملت ایران باز نبود برای اینکه بطور میتوانست نفت خود را استخراج بکند؟ برای اینکه لوله کشی که دست انگلیسها بود بطور میتوانست این کار را بکند؟

اما از لحاظ مالی نیز تغییرات محسوسی در امتیازنامه جدید ظاهر شده است اما مندرجات لندن - نیز و موضوع سه میلیون لیره که شرکت نفت موقع تجدید امتیاز داده است خوب بود آقای اسکندری بجای زحمت تهیه مجله که پانزده سال پیش انتشار یافته و یک مجله مامیانه کم انتشاری است بر میداشتند متن امتیازنامه جدید را بیکبار مطالعه میکردند و بعد میفرستند و رسیدگی و تحقیق مینمودند تا حقیقت را دریابند و بی جهت به اشخاص تهمت و افترا نزنند.

صحیح است سه میلیون لیره از شرکت گرفته اند اما این پول رشوه نبوده است بلکه بابت مطالبات معوقه دولت ایران بوده که از چند سال قبل از الفای قرار داد مورد مذاکره و اعتراض و شکایت بوده و شرکت نفت هم دعوای داشته بابت مخارجی که جهت استقرار امنیت منطقه نفتی نموده بود و بالاخره در ضمن حل سایر مسائل بسکیفتی که در امتیازنامه تصریح گردیده حل و تصفیه شده و دیناری از آن تفریط نگردیده و عیناً بخزانه دولت وارد شده و در دفتر وصول درآمد وزارت دارائی ثبت شده است.

مهندس رضوی - لازم بتذکر نیست که ایراد ملت ایران به تمسید قرار داد است (صحیح است) بنده خود موافق آقای تقی زاده هستم ولی شما ایراد ملت ایران را هم بفرمائید.

عباس مسعودی - بنده در مقدمه عرض کردم هر روزی که ملت ایران بخواهد و بایستد میتواند هر اقدامی بکند چنانکه کردند و چنانکه شد و چنانکه الان هم میشود. عرض کنم از سال ۱۹۳۳ تا بحال سه بار دولت ایران نسبت باین امتیازنامه اعتراض کرده و اعتراضاتش بجا و بحق هم بوده یکی در سال ۱۳۱۹ مطابق آن امتیاز

نامه مبلنی که باید بدولت ایران پرداخته بشود حد اقلش ۷۵۰ هزار لیره معین شده بود در سال ۱۳۱۹ رضاشاه دستور داد اعتراض کنند که ما قبول نداریم و شکایت کرد گفت شما بلکه بخواهید ابداً استخراج نکنید و بما پول ندهید و منافع ما را تأمین نکنید در این جا باید يك حد اقلی قائل بشوید و حد اقل را از ۷۵۰ هزار لیره بچهار میلیون لیره بالا برد چرا اینکار را کردند؟ بر طبق بند ۲ ماده ۱۱ دولت ایران این کار را کرد و نظر خودش را قبولانند سه سال این امر جریان داشت البته دو سال اول نتوانستند میزان استخراج را باندازه ای برسانند که ۴ میلیون را تأمین کنند برای اینکه اول جنگ بود، لندن بمباران بود و وسایل نداشتند که نفت را بیشتر استخراج کنند. در سال ۱۳۲۱ دوباره این اعتراض شد یعنی سه سال که تمام شد در آن موقع باز ناگاه همان ماده ایران شکایت کرد طبق همان ماده باز مجبور شدند و شکایت ایران را قبول کردند که خود تقی زاده موقعی که در لندن بود در این کار فوق العاده اهتمام کرد و این قرار داد را مادام که جنگ ادامه دارد قبولانند با آنها این دومرتبه، مرتبه سوم سال گذشته است که باز متکی باین ماده بود این که عرض کردم زنجیر را پاره کردند برای این بود که بموجب امتیازنامه داری شاه هیچ نمیتوانستید تکان بخورید ولی امروز همه کاری میتوانید بکنید (عباس اسکندری از قرار داد دفاع نکند آقا) ولی امروز آرزوی من اینست که همین قرار داد نفت جنوب را هم لغو بکنیم و این آرزوی من و هر فرد وطنپرستی است که بهیچ خارجی و بهیچ بیگانه هیچ چیز ندهیم (صحیح است) ملاحظه میفرمائید سفسطه و هو و بیجبال چقدر در این کشور دامنه دار شده که حتی از اتهام نیست یکی از رجال شریف و پاکدامن ایران نیز خود داری ندارند.

در خانه عرضیم از آقایان همکاران محترم اجازه میخواهم يك نکته را هم عرض کنم (آقایان) ما که در این کشور زندگی میکنیم، ما که مست نمایندگی ملت را داریم، ما که حافظ قانون اساسی و آزادی هستیم در پیشگاه تاریخ، در پیشگاه خدا و وجدان و بالاخره در برابر نسل آینده و فرزندان خودمان يك مسئولیت بزرگ اخلاقی داریم و آن مسئولیت بزرگ این است که اگر میخواهیم کشور ما زنده بماند فرزندان ما در این کشور نهادن نشوند باید در برابر فضیلت و تقوی سر تسلیم و تکبریم فرود آوریم (صحیح است) و نسبت برجال با فضل و تقوی و کسانی که يك هر برای سعادت این ملت مجاهده و فداکاری کرده اند حق شناس باشیم (صحیح است) و کاری کنیم که در این کشور فضیلت و تقوی تشویق شود و جوانان و فرزندان ما گمراه نشوند (صحیح است) شما ملاحظه کنید بامر محرم فروغی با آن همه فضل و بینش و با آن همه خدمت بیست و هلم و ادب در این کشور چه معاملات شد؟ آقایان همه میدانید که باین مرد شریف و بزرگوار چه نعمت های ناروائی زدند، و باز همه میدانید که او از دست این زخم زبانه و حق ناشناسی

ها دق کرد، بلی دق کرد در حالیکه پس از مرگ وقتی بحساب زندگی او رسیدید دیدید که جزینکامی ذخیره نداشتند است (عباس اسکندری - از موضوع خارج است) هیچ خارج نیست. آقا، مرحوم فروغی یکی از آن چهار نفری بودند که در آن کمیسیون بودند علاوه شما حالا حق ندارید حرف بزنید بعداً نطق و حطابه تان که خیلی خوبست کتاب هم دارید میتوانید بیابید حرف بزنید. آقای علاء در این سال های اخیر این همه فحش و ناسزا بار دادند برای اینکه مردانه از منافع کشور خود دفاع میکرد من (آقایان) خود شاهد و ناظر فعالیت های شبانه روزی این مرد شریف که بدون تردید یکی از عوامل مؤثر نجات آذربایجان بود بودم. (صحیح است) او صحت و تندرستی خود را برای خاطر وطن از دست داد و امروز سخت بیمار است ما برای حقشناسی از چنین مرد پاکدامن و فداکاری چه کردیم؟ جز اینکه يك طومار فحش و ناسزا اشخاص ممرض تار او کردند (محمد علی مسعودی - مظفر خاين فحش داد) اما تقی زاده، من میدانم رفقای تقی زاده و مخصوصاً آقایان آذربایجانها میل ندارند که من این حرف را اینجا بزنم یقین دارم خود تقی زاده هم با آن مناعت و همت نفس که در ذات او است از این حرف من خشنود نخواهند شد ولی من بحکم و بیان خود میگویم این مرد پس از چهل سال خدمت باین کشور یا بقول آقای اسکندری خیانت امروز چه دارد؟ تقی زاده در تمام این تهران يك خانه حتی يك اطاق ندارد که امروز وقتی وارد وطن خود میشود در آن مسکن نماید يك فرشی ندارد که زیر پای خود بیندازد من اطلاع دارم که با اطلاعی که از وضع معیشت در تهران دارد الان که میخواهد بوطن خود بیاید دچار نگرانی است که چگونه آبرو و زندگی خود را اداره کند. ملاحظه کنید این است زندگی تقی زاده در کشوری که يك کارمند جزء پس از چند سال خدمت صاحب همه چیز میشود آنوقت آیا سزاوار است بچنین مرد شریفی که زندگی شخصی او بهترین معرف پاکدامنی و بی نیازی و تقوی سیاسی او است ناخدا آریم. من نمیدانم اگر تقی زاده کسی است که میتوان بدو بهتان زد و ناخدا آورد پس چه کسی قابل احترام و ستودن در این کشور است؟ (عباس اسکندری - خنده) نمایندگان) خدا را شاهد میگیرم و تمام مقدمات سوگند یاد میکنم که اگر من امروز در پشت این تریبون از تقی زاده دفاع میکنم و از این مرد تجلیل میکنم صرفاً فقط فقط پیروی از دستور وجدان خود میکنم که اقلاً بنوبه خود مشوق فضل و تقوی واقع شوم و حق این مرد بزرگ را که شخصاً گامی گامی ایران در شورای امنیت مطرح بود از نزدیک طرز کار و دقت و غور کافی و وطن پرستی اورادیدم بجا آورده باشم. آقایان متأسفانه ما امروز بسیاری از رجال که سال سال صالح خود را از دست داده ایم یکی از آنها که مانده آخرین روزهای عمر خود را میگذرانیم تقی زاده است و وظیفه ما این است که امروز از این مرد شریف تجلیل کنیم از تجارب و اندیشه ها و افکار وسیع و بخت او برای نجات کشور استفسار نکنیم و کاری نکنیم که او را مانند فروغی بادل پراز هم و اندوه از میان ما برود و فقط تأثر و تأسف برای ما

باقی گذارد من برایش خود خاتمه میدهم و امیدوارم فضاوت حق پرستانه آقایان نمایندگان جبران اهانتی را که نسبت باین مرد بزرگ شده است بنماید (صحیح است).

حاذقی - مذاکرات کافی است.

عباس اسکندری - اجازه بفرمائید.

رئیس - شما طبق ماده ۱۰۹ می توانید توضیح بدهید.

ابوالمقاسم امینی - بنده توضیح دارم.

رئیس - کسی که حرف زده آقای اسکندری است او باید مطابق ماده توضیح بدهد.

اسکندری - بنده طبق ماده ۱۰۹ توضیح دارم.

رئیس - اگر تصور میکنید که توهینی نسبت بشما شده میتوانید توضیح بدهید، بفرمائید.

عباس اسکندری - آقای مسعودی در مذاکراتی که فرمودند قسمت عمده مذاکرات بنده را کاملاً تعریف کردند، بنده موضوعی را که مذاکره کرده بودم و پایه مذاکره من بود آن را بکلی کنار گذاشتند و دلایلی را که برای آن اصل آورده بودم آن دلایل را يك قسمتش را بعنوان تعصن تقی زاده در سفارت انگلیس ... (دکتر اعتبار - اینکه مربوط بتوهین نیست).

رئیس - من خودم بدم صد دفعه گفتم آقای اسکندری اگر بیانات شما سوء تعبیر شده میتوانید توضیح بدهید، آقای محمد علی مسعودی ماده ۱۰۹ را قرائت کنید.

(ماده ۱۰۹ آیین نامه داخلی مجلس شورای ملی از طرف آقای محمد علی مسعودی (منشی شرح زیر قرائت شد).

ماده صدونهم - اگر در ضمن مباحثات و نطقی افترا و تهمت بیکی از نمایندگان زده شود یا عقیده و اظهار او برخلاف واقع جلوه داده شود و نماینده مذکور برای تبرئه و رفع اشتباه اجازه نطق بخواهد بدون رعایت نوبت اجازه داده خواهد شد (صحیح است).

عباس اسکندری - آقای مسعودی نطق بنده را بر خلاف واقع جلوه دادند، عرض کنم عقیده بنده در طرح این مذاکره از نظر منافع مملکت ایران است و خیلی خیلی افسوس میخورم که آقایان میفرمایند صحبت نکن بنده هم سر بسته، يك سر - پوشی هم رویش میگذارم و میگویم. بنده می خواهم يك نتیجه بگیرم که لااقل ما در سال ۱۹۶۰ بنفع مملکت و کشور مان دارای عواید بیشتری بشویم، از نظر اقتصادی بهتر بشویم (انشاء الله) آقای مسعودی اینجا شرحی بعنوان دفاع از کمیانی فرمودند.

عباس مسعودی - اینطور نیست.

محمد علی مسعودی - منطه نکند آقا هیچکس دفاع از کمیانی نکرده است.

رئیس - پیشنهاد های زیادی رسیده که مذاکرات کافی است (صحیح است).

عباس اسکندری - بنده مخالفم.

رئیس - یکی از آن پیشنهادها قرائت میشود اگر مخالفی نبود رأی میگیریم.

(پیشنهاد آقای ابوالقاسم امینی بشرح زیر قرائت شد)

پیشنهاد میکنم مذاکرات کافی است و طبق فرمول پیشنهادی آقای دکتر شفق رأی گرفته شود. (صحیح است)

رئیس - آقای امینی توضیحی دارید؟

امینی - توضیحی ندارم.

جمعی از نمایندگان - رأی بگیرد آقا

رئیس - وقتی مخالف هست من نمیتوانم رأی بگیرم آقای اسکندری باین پیشنهاد مخالفید؟ بفرمائید ولی فقط در این قسمت باید صحبت کنید.

حاذقی - آقای اسکندری دیگر کیفیت را باز نکنید.

عباس اسکندری - مختصر است، خیلی مختصر است، برای اینکه بنده از نظامنامه تغلف نکنم متن پیشنهاد را بنده مرحمت بفرمائید که در اطراف آن صحبت کنم چون باین فرمول پیشنهادی آقای دکتر شفق بنده مخالفم برای اینکه آقایان نفرمایند تغلف شد (عباس مسعودی - آن مطرح نیست)

ابوالقاسم امینی - پیشنهاد بنده شامل فرمول دکتر شفق هم است، بفرمائید آقا.

عباس اسکندری - بنده با پیشنهاد کفایت مذاکرات مخالف هستم چرا؟ برای اینکه موضوعی که در اینجا مذاکره میشود بقیه من امینش بیش از آنست که بایکساعت و دو ساعت بشود او را کافی دانست، این موضوع اگر درست حلای شود درست فهمیده شد و درست رأی داده شد صدها میلیون لیره بنفع مملکت ایران است و اگر مطلب نگفته ای باقی ماند و آقایان هم که همه دارای حسن نیت هستند من عقیده دارم شما نماینده های ملت ایران هستید و حسن نیت هم دارید (امامی - باستانشای يك نفر) نگفتم داریم خود را هم کنار گذاشتیم ولی مدعی هستیم (یکی از نمایندگان - صحیح است) (خنده)

نمایندگان) عرض کنم که من خیال میکنم اگر پیک حقیقت بارزی آقایان بی برده بودید هیچ داعی نیست که شما بیابید و برای يك نسل بضرر کشور ایران رأی بدهید، این عقیده من است (حاذقی - مامم رأی نمیدهیم اصلاً) این عقیده من است آقای حاذقی من واقعاً میدانم آقای حاذقی که عقیده شما همین است، بنده در اینجا مجبور هستم بعرض نمایندگان محترم و ملت ایران برسانم که صلاح ملت ایران در این است مراتب دوستی و خصوصیت با آقای تقی زاده را (مسعودی - خارج از موضوع است) از نظر منافع کشور بکنار بگذارم.

رئیس - دلایلتان را بفرمائید.

ابوالقاسم امینی - بگذارید صحبت کنند، این چه طرز مجلس است؟

عباس اسکندری - دلایل است و دارم عرض میکنم آخر آقایان شماها از روی اینصورتی که اینجا هست دو چهارده نفر هستید و رفته های سفید تان موافقین هم که توی جیبتان است دیگر از چه میترسید؟ میترسید که من چشم بندی بکنم و رفته های سفید بکرد بشود؟ ...

رئیس - در حدودی که حق دارید باید حرف

بزنید، شما راجع بکفایت مذاکرات باید حرف بزنید.

معمد دماوندی - بگذارید حرفش را بزنند.

یهمین اسفندیاری - حرف جی را بزنند ایشان پای نفت را کشیده نوی کار، صحبت نفت این جا نبود ای میگوئید بگذار حرفش را بزنند، خوب بگذار بزنند (خنده نمایندگان)

عباس اسکندری - جناب آقای مسعودی بیانات بسیار خوبی فرمودند و راجع به نفت هم توضیحاتی دادند (یهمین اسفندیاری - صحبت نفت را نکنید آقای یهین اسفندیاری ملاز وقتی که شما را ریاست شمه قبول کردیم بسیار بسیار بشما اظهار علاقمندی میکنیم تمنا میکنم گوش بفرمائید.

یهمین اسفندیاری - علاقمندی شخصی مربوط بکار کشور نیست.

عباس اسکندری - آقای رئیس امر بفرمائید صحبت نکنند.

رئیس - نظم مجلس را رعایت نمی فرمائید هی ادامه پیدا میکند من بعد از این اظهار میکنم **عباس اسکندری** - من سرموقبت و انحطاط ملل را در همین میدانم که ...

رئیس - این مربوط به پیشنهاد کفایت مذاکرات نیست در آن قسمت ادله خودتان را اظهار کنیم.

عباس اسکندری - ... دلایل را دارم میگویم اینجا مذاکره شد راجع بشخص آقای تقی - زاده که یکی از شخصیت های بزرگ ایران هستند (صحیح است) و دلیل آورده شد که ما چشم بسته بواسطه اینکه ۴۰ سال گفته شد که خوبست ما هم رأی میدهیم که خوبست (یکی از نمایندگان - اینطور نیست چشم ما باز است) بنده برای اینکه چشم آقایان را باز بکنم عرض میکنم که مرد بزرگی در دنیا بود و حالاً هم است مارشال پتن فاتح بزرگ و رذن (زنك رئیس) (همه نمایندگان) ...

رئیس - آقا از موضوع خارج نشوید راجع بکفایت مذاکرات صحبت کنید.

عباس اسکندری - این دلیل من است.

رئیس - آقا گوش بدهید ماده ۱۱۰ قرائت میشود، ناطق باید از موضوع مباحثه خارج نشود.

ابوالقاسم امینی - آقا ایشان میگویند باین دلیل مذاکرات کافی نیست.

رئیس - بدلیل مارشال پتن؟ (خنده نمایندگان)

معمد دماوندی - میخواهند دلیل خودشان را با مثل واضح کنند.

رئیس - شلوغ نکن آقای دماوندی!

عباس اسکندری - جناب آقای رئیس بنده دلایلم را با مثل دارم میگویم (بعضی از نمایندگان بفرمائید آقا) اجازه میفرمائید؟

رئیس - مختصر بفرمائید.

عباس اسکندری - اطاعت میکنم خیلی هم مختصر است عرض میکنم يك کسی که در مدت ۲۰ سال فرانسه عظمت و اقتدارش را مدیون پاو بود، کسیکه جنگ بزرگ ۱۹۱۴ را بواسطه تقی

که او کرده بود در وردن برد این آدم بواسطه اشتباه در سیاست یا خیانت، اشتباه را هم منبصورت میدانم، آن آدم را دولت فرانسه، ملت فرانسه محکوم باعدام کرد و الان بواسطه ضعف پیری که آقای مسعودی فرمودند او را از اعدام معاف داشت و الان در یکی از جزایر اقیانوس اطلس حبس است نباید دلیل بیاوریم بعنوان اینکه کسی چهل سال اسم خوب داشته، نباید چیزی گفت، نه، این دلیل نیست شما یک نفری دارید ۴۰ سال هم خیال میکنید خوب خدمت کرده است برای آن ۴۰ سال خدمت، پای او را هم می بوسید، روی سرتان هم میگذارید حالا اگر يك روز آدم کشت میگوئید تمام این ها درست ولی يك طناب میان دزدید کردنش و او را آویزان میکنید و چون در گذشته خیلی آدم خوبی بود يك طناب ابریشمی نازک میآورید که زیاد از پشت نکند (زنك رئیس) (خنده نمایندگان) بی انصافی نکند، این آقای دکتر شفق دوست بنده مرد شرافتمندی است میشناسم، میدانم، (صحیح است) من همه آقایان را خوب میدانم، بگذارید نتیجه ای بنفع ملت ایران گرفته شود و همه شماها در جریان تاریخ نیکنام بمانید، یک روزی میآید که در اینجا نخواهیم بود آقایان، من شماها باز تذکر میدهم، میدانم که همه شماها صاحب يك اراده قوی هستید و بعد هم قوه فهم و شعور شماها مسلماً بهتر از دیگران بود و الا اینجا نمی آمدید بنشینید (یکی از نمایندگان این دلیل نیست) دلیل است، آقایان، این صندلی ها که اینجا رویش نشسته اید این صندلیها چوب ساخته شده حالاً همه میگوئید که هج کشف بزرگی کرد اسکندری و گفت این صندلی ها از چوب ساخته شده است اما باقیش را گوش بفرمائید با همین چوب تحت سلطنت را هم درست میکنند و چوبه دار را هم درست میکنند، روزی، رادر نظر بگیرد که ماها ممکن است نباشیم امادر ایران اصل مجازات و مکافات آرزوی حکم فرما شده باشد (محمد علی مسعودی - انشاء الله از حال برقرار بشود).

رئیس - آقا ساکت باشید.

عباس اسکندری - ... و در آرزوی مامم اگر نبودیم مردم میآیند این صفعات را ورق میزنند و دقت میکنند و می بینند که چه شده است و چه نشده است. در رم قدیم مردها را هم معاکمه میکردند، بعد شبیه آنها را باجل، با کهنه درست میکردند و او را مجازات میکردند، بدانید که یک روزی در این مملکت اصل مجازات و مکافات خواهد بود اختیار هم با خود آقایان است اضافه بر این بنده مطابق این سندیکه در دفتر را که مجلس است رأی با اعتبار نامه آقای تقی زاده را خلاف قانون میدانم شما کمتر از سی سال نمیتوانید رأی بدهید و بیش از ۷۰ سال را هم نمیتوانید رأی بدهید اول قانون را عرض کنید بعد رأی بدهید تقی زاده مطابق این سند ۷۲ سال دارد (مسعودی - ندارد) در دوره اول آقای تقی - زاده و آقای مصدق السلطنه هر دو وکیل مجلس بودند آقای مصدق السلطنه را بعنوان هم بلوغ سنی از مجلس اول رد کردند و او را قبول کردند یعنی آقای تقی زاده بالغ بر سی سال داشته یعنی امروز ۷۲ سال دارد شما نمیتوانید این رأی را بدهید این رأی

شما قانونی نیست. آقایان امروز البته اکثریت دارید و میتوانی رأی بدهید و رأی بدهید من خدا را بشهادت می طلبم که در این قضیه شرکته ندارم اینهم دستهای من اگر اتفاقاً بکفایت مذاکرات رأی داده نشد بنده دلایل دیگری دارم بر عرض آقایان می رسانم.

رئیس - بکفایت مذاکرات رأی گرفته میشود آقایانیکه موافقت قیام کنند (اکثر برخاستند) تصویب شد. حالا با رعایت پیشنهاد آقای دکتر شفق که آقایان البته همه شنیده اند (دکتر عبده نشنیده ایم دومرتبه قرائت بفرمائید).

رئیس - آقای مسعودی پیشنهاد آقای دکتر شفق را قرائت کنید.

(پیشنهاد آقای دکتر شفق توسط آقای محمدمدلی مسعودی شرح زیر قرائت شد.)

ریاست مجلس شورای ملی پیشنهاد می کنم راجع با اعتبارنامه آقای تقی زاده بقید توضیح ذیل رأی گرفته شود:

مجلس شورای ملی پس از استماع بیانات آقای عباس اسکندری ...

دکتر معظمی - موافقین ...

رئیس - موافقین هم دارد.

محمدمدلی مسعودی - ... موافقین آقای تقی زاده اعلام میدارد که رأی بصلاحت آقای تقی زاده

هرگز مستلزم تصدیق ضمنی از مطالب دیگر سیاسی و حقوقی بتقصیلی که در بیانات آقای اسکندری و موافقین مذکور افتاد نخواهد بود و در این رأی نظر منحصر بصلاحت شخصی و جریان انتخابات تقی زاده است. دکتر رضازاده شفق (صحیح است)

رئیس - رأی گرفته میشود با اعتبارنامه آقای تقی زاده با رعایت پیشنهاد آقای دکتر شفق

آقایانی که موافقت قیام کنند (اغلب برخاستند) تصویب شد.

(در این موقع تماشاچیان ضلع جنوبی سالن تظاهراتی کرده و کف زدند.)

رئیس - تماشاچی را خارج کنند. تماشاچیان طرف چپ را خارج کنید.

همین اسفندیاری - تنفس بدهید.

رئیس - تنفس لازم نیست مجلس بکار خودش ادامه میدهد.

عبدالرحمن فرامرزی - اجازه بفرمائید.

رئیس - بفرمائید.

فرامرزی - الحده الله اعتبارنامه آقای تقی زاده تصویب شد بنده بک تذکری می خواهم عرض کنم و آن اینست بطاعت دارم یک وقتی در همین مجلس مرحوم شریعتنبار دامادانی رفت پشت آن تریبون و گفت اکثریت رأی اقلیت را خفه میکند ولی حرف اقلیت را نباید خفه بکنند اساساً اقلیت و اکثریت در مجلس برای این درست شده است که اقلیت حرف خودش را بزند و اکثریت گوش کنند و به بینند حرفش وارد هست یا وارد نیست، اگر در بند حرفش وارد نیست رأی را برخلاف حرف او میدهند و اگر دیدند حرفش وارد است چون نظرشان صلاح مملکت است، چون نظرشان حقیقت است، چون نظرشان دست بندی و ششتم اندازه ای نیست و برای مملکت کار میکنند حرفهایشان را می پذیرند ولی متأسفانه در این

مجلس حرف اقلیت را خفه میکنند، آقای عباس اسکندری این مخالف منحصر بفرمود، مردم مناسبات من را با آقای تقی زاده میدانند ولی بک و کبلی باینکه میدید که احساسات مجلس اینطور بر علیه اوست باین شجاعت حرفش رازد، من کار بفرضش ندارم که غرضش خوب بود باید هر کسی بمقیده خودش غرضش خوبست و بمقیده مخالفش فرض بد است، این وضع نیست وقتیکه عباس اسکندری می خواست حرف بزند همه توی حرفش میدویدند وقتی که عباس مسعودی میخواست حرف بزند میگفتند کار بهش نداشته باشد، یک بام و دو هوا که نمیشود آس توی حرف این عباس میشود دود توی حرف آن عباس هم میشود دود اگر توی حرف آن عباس نباید دود توی حرف این عباس هم نباید دودید من استدعا میکنم از آقایان نمایندگان که رعایت اصل آزادی را بکنند کسانی که باسم آزادی اینجا جمع شده اند با وسایلی که خودشان دارند نباید مخالفینشان را خفه کنند چه فرق میکنند که باطناب ایشان را خفه کنند یا با رأی خفه کنند بنابراین آقایان اجازه بفرمائید که مخالف حرفش را با دلایلی که دارد بزند (آفرین).

رئیس - پیشنهاد آقایان حاذقی و صادقی و اورنگ قرائت میشود.

(شرح زیر قرائت شد)

پیشنهاد میکنیم پس از طرح پرونده جناب آقای تقی زاده اعتبارنامه های تهران مطرح شود.

مکی - مخالفم.

حاذقی - اجازه میفرمائید؟

رئیس - بفرمائید.

حاذقی - روی علل و حوادثی که آقایان محترم میدانند یکسال و نیم مشروطیت ایران تعطیل بوده و دوره فترت پیش آمد، خوشبختانه موافقی که در کار بود بر طرف شد و مقدمات افتتاح مجلس یازدهم فراهم شد تمام مردم مملکت منتظر هستند مجلس کارهای مقدماتی و تشریفاتی خودش را تمام بکند و آماده انجام وظایفی بشود که در قسمت خدمت و اصلاحات مملکت و بهبود اوضاع ملت ایران بدهد

دارد اعتبارنامه های مطرح شده است و تصویب شده است ولی یکی از همکاران محترم، جناب آقای دکتر متین دفتری نسبت با انتخابات تهران اعتراض کرده اند و بطوریکه از ایشان کسب اطلاع کرده ام ایشان بهیچ وجه راجع بصلاحت آقایان نمایندگان صحبتی ندارند و صرفاً می خواهند تذکراتی و اعتراضاتی که راجع بجریان انتخابات تهرانست بفرمایند و چون (توجه بفرمائید آقایان) ایجاب میکند هر چه زودتر نسبت باین تعداد پرونده ها رأی گرفته شود و نظر مجلس شورای ملی معلوم شود بنده پیشنهاد کردم باینکه دونفر از آقایان دیگر که اجازه بفرمائید پرونده انتخابات تهران مقدم باشد و افکار عمومی اگر اعتراضی بر نحوه انتخابات تمام مملکت دارد این باعث آن نمیشود که انتخابات تهران را متأخیر بیندازیم، البته تمام نمایندگان ملت و افراد ملت امیدوار هستیم که اوضاع و احوال رشد فکری و فرهنگ و تعلیم و تربیت ملت ایران باندازه ای قوی شود که انتخابات در سراسر کشور بتمام معنی آزاد انجام بگیرد و هیچ اعتراضی

نباشد و حالا انتخابات با یک نمونه های اعتراض آمیزی انجام شده است بنابراین خواهش میکنم جناب آقای رئیس باین پیشنهاد رأی بگیرند.

رئیس - آقای مکی.

مکی - بنده بهمین دلیلی که آقای حاذقی فرمودند مجلس شروع کند با اعتبارنامه ها استناد میکنم که چرا تبعیض قائل میشویم، در جلسه گذشته که مورد اعتراض چند نفر از آقایان مدیران جراید هم شده بود و حتی روزنامه اطاعات هم اشاره کرده بود که یک تبانی شده بود که نمایانم اعتبارنامه آقای تقی زاده را با چنین چیزی مواجه کنند (همه نمایندگان تپانی نکرده است) اجازه بفرمائید عرض کنم.

رئیس - این مربوط بآن قسمت نیست.

مکی - بنده صبح روز شنبه رفتم خدمت آقای رئیس و گفتم که با این جریانات بنده مخالف هستم که بر خلاف ترتیب و سابقه در این مجلس عمل بشود. در دوره پنجم مرحوم تیمورتاش از خراسان و کابل شد، شاهزاده افسر در همین مجلس با اعتراض کرد و چون خودش نبود اینجا گفتند پرونده اش بماند تا خودش بیاید اینجا و الان در آرشویمجلس موجود است بروید ببینید، برخلاف سابقه نگذارید یک کاری بکنند البته شخصیت آقای تقی زاده کاملاً محفوظ است ولی باستناد آن نباید هزار کار خلاف سابقه کرد. پرونده ها بترتیب دارد می آید یک دسته از این آقایان که بهشان اعتراض شده با تمام قوا دارند تثبیت میکنند که حتی آقایانیکه تقاضای رأی مخفی کرده اند آراشان را پس بگیرند اقبال هیچکس همچو کاری نمیکند و رأی را پس نگیرد) صحبت یکی دو نفر بود که رأیشان رایس گرفته اند (اقبال آنها ضعیف بودند) بله بعضی ضعیف گرفتند بنده از جناب آقای دکتر متین دفتری استدعا میکنم که مخالفت خودشان را راجع به جریان انتخابات طهران پس بگیرند چون فقط یک نفر آقای دکتر امینی باقی مانده است و آقای دکتر امینی هم چون مورد اعتماد هیئت جوان این مملکت هستند بنده بنا به مجلس شورای ملی که همه آقایان مبین افکارشان موافق با بنده است برای اینکه این سابقه در این مجلس گذاشته نشود که هر کس یک پیشنهادی بدهد و بعد هم در افزایش هزار سوء استفاده بکند مخالفت خودشان را از آقای دکتر امینی مسترد بدارند.

رئیس - رأی میکنیم به پیشنهاد آقای حاذقی که انتخابات طهران را که چند فقره مانده مطرح شود. آقایان موافقت قیام فرمایند.

دماوندی (منشی) - ۵۲ نفر قیام کردند.

ذوالفقاری (منشی) - ۴۳ نفر (در این موقع چون عده موافقین مشکوک بنظر آمد برای مرتبه دوم اعلام رأی گردید)

اردلان - بنده مطابق ماده ۸۵ اخطار نظامنامه ای دارم. چون دومرتبه رأی گرفته شد و نتیجه بدست نیامد برای مرتبه سوم با درجه بایدرای گرفته شود.

رئیس - بفرمائید یک دفعه دیگر هم رأی میکنیم. آقایان اجازه بفرمائید ماده ۸۴ نظامنامه قرائت میشود. (شرح ذیل قرائت شد) نتیجه رأی بقیام و قعود در رئیس و نشان تشخیص میدهند. هر گاه دفعه اولی نتیجه مشکوک باشد در دفعه ثانی بهمان طریق رأی گرفته میشود در این صورت در میان دفعه اولی و دفعه ثانی کسی حق نطق ندارد و همچنان اگر دفعه ثانی هم مشکوک شده و لازم رأی گرفتن بواسطه اوراق باشد ما بین این دو عمل نیز کسی حق نطق ندارد.

رئیس - پس یک مرتبه دیگر با همان ترتیب باقیام و قعود رأی گرفته میشود.

ملک مدنی - پیشنهاد شده است.

دماوندی (منشی) - هنوز نرسیده است.

رئیس - چون اعلام رأی شده است پیشنهاد نمیشود کرد، شما که خودتان نایب رئیس بودماید.

ملک مدنی - پیشنهاد کرده بودم که باورقه رأی بگیرد.

رئیس - نمیشود آقا، رأی میکنیم به پیشنهاد آقای حاذقی آقایانی که موافق هستند که انتخابات طهران وارد در دستور بشود قیام کنند (اکثر برخاستند) تصویب شد.

۲ - تصویب یک فقره اعتبارنامه آقای نیکپور پیشنهادی راجع به استرداد اعتراض نسبت به آقای نیکپور از طرف آقای مهندس رضوی رسیده است که تماماً قرائت میشود.

مقام ریاست مجلس شورای ملی - چون چهل نفر از آقایان همکاران محترم شرحی اعضاء و از بنده تقاضا فرموده اند که اعتراض خودم را بر علیه آقای نیکپور مسترد بدارم. چون اساساً اعتراضات بنده نسبت بهریک از آقایان که در موقع اظهار نموده ام فقط از نظر اصول و راجع بتأثیر عملیات و اقدامات آنان در جریان امور اقتصادی و اداری مملکت در ۱۵ ساله اخیر بوده و هیچگونه ایراد خصوصی و شخصی نداشته ام علیهذا با احترام درخواست جمع کثیری از نمایندگان محترم که رعایت نظریه آنان برای این جانب واجب است بموجب این نامه اعتراض خودم را بر علیه آقای نیکپور مسترد میدارم و چون در طرز و روش سیاسی اینجانب تبعیض و تفاوت بین موارد مشابه جائر نیست بموجب همین نامه اعتراضاتی را که بر علیه آقایان امین اسفندیاری و علی و کبلی و عباس اسکندری و تقی خویشلر تقدیم کرده بودم مسترد داشته ام بدو در اثر خدماتی که آقایان در دوره یازدهم مجلس شورای ملی خواهند فرمود مدعاتی را که ملت ایران دیده است جبران نمایند.

مهندس سید احمد رضوی

عده از نمایندگان - احسنت.

رئیس - پیشنهادی رسیده است که باورقه رأی گرفته شود ولی چون ۴ نفر بیشتر اعضاء ندارند.

بعضی از نمایندگان - بدهید اعضاء

کنیم.

دماوندی - گذشته است. **رئیس** - وارد رأی هم شده ایم. **ملک مدنی** - اجازه بفرمائید. **مکی** - مشکوک بود آقا.

ملک مدنی - بنده یکی از اعضاء کننده گان آن پیشنهاد هستم. این پیشنهاد را موقعیکه پیشنهاد اولی شده بود که اعتبارنامه نمایندگان تهران جلو بیفتد و مطابق ترتیب باشد و سابقه نشود که اعتبارنامه دیگران تأخیر بیفتد بنده و سایر رفقا برای آن موقع کردیم والا نسبت با آقای نیکپور بنده خودم از اشخاصی هستم که موافقت دارم و صلاحیت ایشان را از نظر دور ندادم بنابراین ما این پیشنهاد را استرداد میکنم قصدمان مربوط باصل قضیه است و بنده هم در اینجا عرض کنم که تخلف از اصول همیشه برای مجلس اشکال پیدا میکند مثل اینکه برای همین ماده هم همین اشکال درست شده الان هم اینکار صحیح نیست و الان آقای فرامرزی بیانی کردند که مقیده بنده صحیح بود مجلس نباید هیچوقت از نظامنامه و مقرراتیکه در نظر گرفته شده است خارج شود (زنک رئیس)

رئیس - هر وقت از نظامنامه خارج شد آنوقت بفرمائید (زنک ممتد رئیس) بنشینید آقا هر وقت از نظامنامه خارج شد آقا میتوانی مطابق ماده ای که در نظر دارید تذکر نظامنامه ای بدهید.

ملک مدنی - قصدم به آقا نبود به آقایان نمایندگان بود.

رئیس - حالا استرداد کردید؟

ملک مدنی - بلی.

رئیس - رأی میکنیم بنمایندگی آقای نیکپور از تهران آقایانی که موافق هستند قیام کنند (اکثر برخاستند) تصویب شد. پس آقای سید هاشم و کیلی - علی و کبلی هم استرداد شده است.

رئیس - آقای دکتر متین دفتری حاضرید، بیاناتتان حاضر است؟

متین دفتری - اگر چند دقیقه تنفس میدادید بنده خیلی متشکر میشدم.

رئیس - مخالفی با تنفس هست؟

بعضی از نمایندگان - مخالفیم با تنفس.

بعضی از نمایندگان - آقای دکتر در مخالفت خودتان باقی هستید؟

دکتر متین دفتری - بنده در مخالفت خودم باقی هستم.

۳ - طرح انتخابات تهران راجع با اعتبارنامه آقای دکتر امینی (بعضی از نمایندگان - تنفس داده شود)

رئیس - آقایانیکه با تنفس موافقت قیام کنند، (عده کمی برخاستند) تصویب نشد. آقای دکتر متین دفتری بفرمائید.

دکتر متین دفتری - آقایانیکه با تنفس

مخالفت کردند باید یکساعت و نیم عرایض بنده را گوش کنند.

در جلسه اسبق بعد از آنکه مخالفت خود را نسبت با اعتبارنامه آقای دکتر امینی اظهار داشتیم در خارج از تالار جلسه آقای ابوالقاسم امینی تهدیدیم فرمودند که در مشکن شهر خدمت شامی بر من بایشان گفتم که اولاً این معارضات در مجلس نباید حمل بر اغراض شخصی شود حالا ملاحظه خواهید فرمود که بنده یک کلمه راجع باغراض شخصی و مسائل شخصی در اینجا صحبت نخواهم کرد و روی اصول صحبت میکنم بعلاوه بنده خوب بیه تمام مخاطرات را بنتم مالدیه ام من مجبورم در موضوع انتخابات طهران عرایض خودم را بر عرض شورای ملی برسانم و در مقابل انجام وظیفه ملی از هیچ خطری نمیترسم من هفت سال است از کار دولت و سیاست منسکت بر کنار شده ام قسمت اعظم این مدت مصادف بوده است با زمان اشغال ایران از طرف قوای اجانب که میدانی بمنزله دوران و خائنین داد و تیشه بریسه این مملکت زدند و کشور عزیز ما را دچار بدبختی ها کردند و بروز سیاه نشاندند (نمایندگان - صحیح است) در این دوران شوم من دچار انواع مصائب و گرفتاری ها شدم و مدتها از حمایت قوانین محروم ماندم مقصود نوحه خوانی نیست از این مقدمه این نتیجه را میخواهم بگیرم که این مصائب در اعماق روح من اثر فنا ناپذیری از خود باقی گذاشته و آن این است که ایمان راسخ پیدا کرده ام که اگر در یک ملتی احترام قوانین از بین برود زندگی آن ملت دشوار و بلکه محال میشود (صحیح است. صحیح است) (کف زدن ممتد تماشاچیان.)

رئیس - اگر تماشاچیان تظاهراتی کردند من جلسه را ختم میکنم بوجه ماده ۱۴۳ - ۱۴۲ همان تماشاچیان را خارج میکنم ام از تماشاچی و ارباب جراید مجلس باید کارهای خودش را درست انجام دهد.

دکتر متین دفتری - آقایان آن شبی که من وعده را نظامیان اجنبی با وضع فجیعی در شهر بانی تحویل گرفتند و در میان سلسلهای دستی که از گوش و دماغ ماچند سانتیمتر بیشتر فاصله نداشت بیک محلی مخوفی بردند و در زیر زمین هریان و تاریکی با تمام محرومیت ها مدت مدیدی در گرمای تابستان نگاهداشتند پیش خدای خود عهد کردم اگر زنده ماندم تا عمر دارم بر علیه نا حق و بیدادگری مبارزه کنم (احسنت) قبل از جلسه مجلس بسیاری از دوستان و آشنایان بمنوان خیر خواهی من را از شرکت در جلسات اولیه مجلس که صرف گذراندن اعتبارنامه ها میشود منع میکردند. من تسلیم نشدم و تصمیم گرفتم برای مبارزه حاضر شوم و هیچ اهمیت نمیدهم که با اعتبارنامه من در اینجا چه معامله بشود. اعتبارنامه برای من وقتی ارزش دارد که بتوانم بوظائف نمایندگی عمل نمایم من از برادران عزیز آذربایجانیکه همیشه در گذشته ناجی آزادی بوده اند هر وقت اصول مشروطیت ایران بخطر افتاد قدمم کرده اند و در شدم ملی خود را ثابت

مخالفت کردند باید یکساعت و نیم عرایض بنده را گوش کنند. در جلسه اسبق بعد از آنکه مخالفت خود را نسبت با اعتبارنامه آقای دکتر امینی اظهار داشتیم فرمودند که در مشکن شهر خدمت شامی بر من بایشان گفتم که اولاً این معارضات در مجلس نباید حمل بر اغراض شخصی شود حالا ملاحظه خواهید فرمود که بنده یک کلمه راجع باغراض شخصی و مسائل شخصی در اینجا صحبت نخواهم کرد و روی اصول صحبت میکنم بعلاوه بنده خوب بیه تمام مخاطرات را بنتم مالدیه ام من مجبورم در موضوع انتخابات طهران عرایض خودم را بر عرض شورای ملی برسانم و در مقابل انجام وظیفه ملی از هیچ خطری نمیترسم من هفت سال است از کار دولت و سیاست منسکت بر کنار شده ام قسمت اعظم این مدت مصادف بوده است با زمان اشغال ایران از طرف قوای اجانب که میدانی بمنزله دوران و خائنین داد و تیشه بریسه این مملکت زدند و کشور عزیز ما را دچار بدبختی ها کردند و بروز سیاه نشاندند (نمایندگان - صحیح است) در این دوران شوم من دچار انواع مصائب و گرفتاری ها شدم و مدتها از حمایت قوانین محروم ماندم مقصود نوحه خوانی نیست از این مقدمه این نتیجه را میخواهم بگیرم که این مصائب در اعماق روح من اثر فنا ناپذیری از خود باقی گذاشته و آن این است که ایمان راسخ پیدا کرده ام که اگر در یک ملتی احترام قوانین از بین برود زندگی آن ملت دشوار و بلکه محال میشود (صحیح است. صحیح است) (کف زدن ممتد تماشاچیان.)

مخالفت کردند باید یکساعت و نیم عرایض بنده را گوش کنند. در جلسه اسبق بعد از آنکه مخالفت خود را نسبت با اعتبارنامه آقای دکتر امینی اظهار داشتیم فرمودند که در مشکن شهر خدمت شامی بر من بایشان گفتم که اولاً این معارضات در مجلس نباید حمل بر اغراض شخصی شود حالا ملاحظه خواهید فرمود که بنده یک کلمه راجع باغراض شخصی و مسائل شخصی در اینجا صحبت نخواهم کرد و روی اصول صحبت میکنم بعلاوه بنده خوب بیه تمام مخاطرات را بنتم مالدیه ام من مجبورم در موضوع انتخابات طهران عرایض خودم را بر عرض شورای ملی برسانم و در مقابل انجام وظیفه ملی از هیچ خطری نمیترسم من هفت سال است از کار دولت و سیاست منسکت بر کنار شده ام قسمت اعظم این مدت مصادف بوده است با زمان اشغال ایران از طرف قوای اجانب که میدانی بمنزله دوران و خائنین داد و تیشه بریسه این مملکت زدند و کشور عزیز ما را دچار بدبختی ها کردند و بروز سیاه نشاندند (نمایندگان - صحیح است) در این دوران شوم من دچار انواع مصائب و گرفتاری ها شدم و مدتها از حمایت قوانین محروم ماندم مقصود نوحه خوانی نیست از این مقدمه این نتیجه را میخواهم بگیرم که این مصائب در اعماق روح من اثر فنا ناپذیری از خود باقی گذاشته و آن این است که ایمان راسخ پیدا کرده ام که اگر در یک ملتی احترام قوانین از بین برود زندگی آن ملت دشوار و بلکه محال میشود (صحیح است. صحیح است) (کف زدن ممتد تماشاچیان.)

نموده اند تشکر میکنم که افتخار نمایندگی خود را بمن داده اند و جبران معروفیت تهران را کردند. من باهالی مشکین شهر مخصوصاً بایل غیور و وطن پرست شامسون درود میفرستم (ناصری - شمارا نیشناسند) (فرامرز - شمارا نمی شناسند آقا) (حاذقی - آقای ناصری حرف خودتان را پس بگیرد) که امروز بمن فرصت داده اند که صدای حق را در مجلس شورای ملی طنین انداز کنم - من چگونه میتوانم راجع بان انتخابات تهران مهر خاموشی بر لب بگذارم اگر محافظه کاری میکردم وساکت میماندم جواب بیست هزار نفر از همشهریان عزیز خود را که با تمام مخاطرات بمن رأی داده اند چه میتوانستم بدهم. بیست هزار نفری که از جوانان تحصیل کرده و افراد پاک اصناف پایتخت تشکیل شده و امروز چهل هزار چشم خود را بطرف من دوخته اند که در مجلس شورای ملی نسبت به مظلومیت آنها دادخواهی میکنم؟ یائیکه بعد از بدست آوردن یک کرسی در این مجلس همه چیز را فراموش کرده بوظائف ملی خود پشت یا میزنم. آقایان مخبر محترم شعبه در گزارش خود اظهار کردند که انتخابات تهران آزاد بوده. خدا این آزادی انتخابات را نصیب سیاهان افریقا هم نکند! از چند ماه قبل از شروع انتخابات برای کسانی که شانس انتخاب شدن در تهران داشتند ولی جزو لیست سیاه بودند امنیت نبود خود بنده یارسال تابستان هفته ای نبود که بتوقیف شدن تهدید نشوم و کسانی که بمنزل من رفت و آمد میکردند تحت نظر بودند. مجبور شدم چندی از شهر خارج شوم و بکوه ها پناهم برم. چند روزی که بمن زیارت حضرت رضوا اجتناب از تزیینات آنها بشهد مسافرت کردم بپایه های بر این مسافرت بستند که واقعا مضحك بود و اگر دوروز دیگر در مشهد مانده بودم حتماً توقیف میشدم. در همان ایام بود که آیه الله کاشانی را که وجودشان را در انتخابات تهران مؤثر میدانستند توقیف کردند و هر چه این شهر میدانست تا انتخابات تهران شروع و تمام نشود سر نوشت این روحانی جلیل القدر معلوم است آن ایام سلسله جناب اینفجایع عصر خطر ناکی بود که عنوان معاونت سیاسی رئیس دولت را داشت

(بعضی از نمایندگان - آقا اسم ایشان را بپرسید)

دکتر مشون دقتری - من اسم اشخاص را نمیرم خودتان بهتر میدانید (حاذقی - آقا اسم ایشان را بپرسید)

ایشان را نبرید مجلس را ملوث نکنید (صحیح است) وقتیکه خیالات شوم او هویدا شد و تصمیم گرفتند جان و مال مردم را از شر او خلاص کنند و او خوشبختانه موفق نشد در اجراء نقشه انتخاباتی دخیل باشد اظهار امیدواری میشد که تا اندازه شاید رعایت آزادی در انتخابات بشود ولی کسانی که جای او را گرفتند و همدار مشاغل مختلف او شدند این امیدواری را تأیید نکردند. انتخابات تهران علی رغم تظاهرات و شکایات آزادیخواهان احزاب و جمعیت های مؤتلفه مخصوصاً جامعه دانشجویان که انصافاً همه این دستجات رشیدانه مبارزه کردند مطابق نقشه جریان

و خانه یافت و انجمن نظارت که از ابتدا طرز تشکیل خودش قانوناً مورد اعتراض بود در عمل در هیچ مرحله نه در روزهای اخذ آراء و نه در ایام قرائت آراء و نه در مدت هفته اعتراض کوچکترین رسمی نگذاشت گوش خود را کر کرد و چشم خود را در مقابل قانون شکستید که همه مردم بر رأی العین میدیدند فرو بست و با اعتراض جرایم پایتخت که مینوشته اند انتخابات آزاد نیست هیچ ترتیبی ندارند اگر اسم همه اینها را بپریم خیلی مطول خواهد شد و فقط اسم چندتای از آنها را میبرم مخصوصاً روزنامه های مظفر ، صدای مردم ، شفق ، اخبار روز ، کسری ایران ما ، آتش ، اقدام ، کشور ، صدای وطن ، ستاره غرب و پیروزی . قلندر البته بدون تقدم و تأخر ذکر کردم اینها همه با کمال رشادت فریاد میزدند که انتخابات آزاد نیست مقالاتی نوشتند یکی از این روزنامه ها که دچار مشقت شد روزنامه مظفر بود، هیچگونه اهمیتی که ندادند هیچ بلکه کار را بجائی رسانیدند که مدیر روزنامه مظفر را بجرم اینکه چرا نوشته ای انتخابات تهران آزاد نیست و در اینجا شماره های آن را تماماً دارم که الان آن روزنامه ها در کیف بنده حاضر است اگر آقایان بخواهند میتوانند ببینند و برای جلوگیری از تعییح وقت آقایان قرائت نمیکند در حکومت نظامی توقیف کردند و پرونده ای بره ای او ساختند که چرا گفته بود انتخابات آزاد نیست حتی در مدتی که برای رسیدگی بشکایات مقرر است انجمن بخود زحمت نداد بکنفر از شاکیان را که همه از جوهر و معارف طهران بودند بخواهد که بدرخواست قانونی شاکیان برای حفظ ظاهر هم باشد ترتیبی بدهد . راجع بمواد شکایات و دفاعیه که انجمن کرده و در گزارش شعبه منمکس است بعد تفصیلاً توضیح عرض خواهم کرد . فعلاً ناچارم یک نکته را توضیح بدهم و آن ایرادی است که بمن میگیرند که چرا در اظهار مخالفت در باره اعتبارنامه آقای دکتر امینی اکتفا کرده ام و مخالفت خود را نسبت به آقای صادقی پس گرفته ام بنده از نظر احترامی که بموم تحصیل کرده ها در این کشور دارم این احترام همیشه شامل حال ایشان همست (صحیح است) و میگویند اگر بجرم این انتخابات تهران اعتراض دارم حق این بود که به اعتبارنامه های تمام دوازده نفر اعتراض کنم من خود متوجه این نکات بودم و میدانستم چنین ایرادی بمن میشود اما با در نظر گرفتن اوضاع و احوال فعلی و یأس از نتیجه عملی یقین داشتم اگر بتمام اعتبارنامه های تهران اعتراض کنم تشنجی نظیر تشنج جلسه سابق در مجلس ایجاد میشود و ممکن است عواقب خلاف انتظاری داشته باشد و کاسه و کوزه را بر سر من بشکنند و نتیجه آن شود که در موردیک اعتبارنامه هم نتوانم اعتراضات اهالی تهران را نسبت به فجایعی که در انتخابات اخیر تهران شده است بعرض مجلس شورای ملی برسانم روی همان اصل بود و بنده در مورد یازده نفر ابتدا در رأی شرکت نکردم

و خواستم این اصل خود را حفظ کنم این بود که توضیح دادم راه عملی پیش گرفته در مورد اولین اعتبارنامه ای که مطرح میشود اظهار مخالفت کنم و نسبت ببقیه از شر که در جلسه خودداری نمایم و نسبت با اعتبارنامه آقای صادقی هم مخالفت من بنا بر نمایالت پارامی از محافل وطن پرست آذربایجانی بود که بمن رعایت احساسات آنها را بر خود لازم میدانم والا من طرفیت شخصی با آقای صادقی نداشتم (نمایندگان - احسن) و وقتی که بر اثر تشنج جلسه سابق آقای امامی نماینده محترم آذربایجان از مخالفت با آقای صادقی منصرف شدند و علناً از من خواهش کردند که من هم از ایشان پیروی کنم بنا با احترام آقایان همکاران آذربایجانی مخالفت خود را مسترد داشتم .

اما در انتخاب اعتبار نامه آقای دکتر امینی برای اظهار مخالفت تصادفاً دلایل موجه دیگری نیز دارم :

مدافعات انجمن نظارت که مورد رسیدگی شعبه چهارم واقع شده فقط در گزارش اعتبار نامه آقای دکتر امینی مندرج است .

ثانیاً - شکایت و دادخواهی من در واقع از انجمن نظارت طهران است و ایشان هم در انجمن شرکت داشته اند و الا من از حیث صلاحیت شخصی امتیازی برای یازده نفر منتخبین دیگر طهران نسبت با آقای دکتر امینی قائل نیستم و ابتدا خیال ندارم در این موقع وارد در مسائل شخصی بشوم و جز جریان سوء انتخابات طهران عرضی نخواهم کرد ، پس تصدیق میفرمائید که مخالفت من بر خلاف ایراداتی که این چند روزه بعضی ها گرفته اند معلول اعتراض شخصی نیست !

بسیار متأسفم که رئیس دیوان کشور - یعنی عالیترین قاضی کشور رادر این انجمن شرکت دادند و از عدم سابقه و حجب او در امور سیاسی استفاده خوبی نکردند و قانون انتخابات زیر نظر کسیکه باید مجسمه قانون باشد ملغی باز بگسرن انتخاب گردید .

انجمن نظارت طهران بی اعتنائی به قوانین را بجائی رسانید که بعضی از کارمندان انجمن اصلی که باید حافظ و ناظر اجرای قانون بطور بیطرفانه در باره عموم باشند علناً در مجامع اصناف حاضر میشدند و تبلیغات تهدید آمیز میکردند و می گفتند هر کس بفر لیست دولتی رأی بدهد دچار مأمورین غلاظ و شداد شهرداری خواهد شد ، و شهرداری طهران هم در تأیید بیانات آنها عموم رؤسای پرزن ها را جمع کرده و لیست سیاه را بدست آنها داد و گفت بموم پیشه وران بفرمائید که اگر هر کس تمایلی باین لیست اظهار کند باید منتظر احضار به دادگاه گرانفروشان استرداد پروانه صنفی و قطع شدن سهمیه دولتی باشد .

از این موقع باید استفاده کنم و بگویم مادام که مأمورین دولت و شهر داری در زندگانی افراد

مردم اینگونه دخالت های مستقیم دارند و پیشه وران هید و هیید مأمورین باشند مشروطیت در ایران متزلزل خواهد بود این که کمترین سند سیاسی بنده است آقایان بنده طرفدار آزادی اقتصاد هستم و نظریات خود را در طی رساله مفصلاً نوشته ام و عقیده ام این است که باید حتماً تجدید نظری در رژیم اقتصادی کشور بکنیم و با تصویب قوانین جدید در این دوره انشاء الله گریبان مردم کاسب و زحمت کش را از دست مأمورین خلاص کنیم و باین پروانه بازی ها که منشاء مفاسد بزرگ است خاتمه دهیم و ضمناً یک قدم اساسی برای احیاء آزادی افراد که اساس مشروطیت است برداریم . و عقیده ام این است که از این بیعد انشاء الله در تحت توجهات آقایان نفوذ در این کشور باید نفوذ معنوی باشد . یعنی هر کس بواسطه خدمات خود جلب توجه مردم را بکند این یک نفوذ معنوی مشروعی است و الا با قدرت اقتصادی دولت نفوذ پیدا کردن بوسیله امتیازاتی که دولت دست خودش گرفته امتیازات انحصاری . باین وسایل اعمال نفوذ کردن در زندگانی مردم این شالوده مشروطیت ما را بکلی از بین میبرد ملاحظه می فرمائید وضع بازار امروز ما واضح بازار بیست سال قبل ما در آن زمان چند صد بازرگانان آزادبخواه داشتیم چه خدماتی بمشروطیت ایران در ابتدای مشروطیت این طبقه تجار و بازرگانان ما با آزادی ایران و بمشروطیت ایران کردند ولی امروز چند صد این بازرگانان ما ناراضی هستند می بینند ابتکارشان ، فعالیتشان در مقدراتشان کوچکترین اثری ندارد هر کس بند و بست داشته باشد بیشتر موفق میشود یعنی بند و بست بوسیله بدست آوردن پروانه و از این قبیل چیزها این رژیم را استعفا میکنم که در این مجلس در نظر داشته باشید این رژیم آقایان بایستی تغییر بکنند و نفوذ اقتصادی در این کشور بایستی جای خودش را بدهد بنفوذ معنوی (صحیح است) این یک پرائرتی بود از آقای مخبر خیلی معذرت می خواهم باری انجمن اصلی انجمن های فرعی را اکثرآ از بستگان و نوکرهای شخصی کاندیدا های دولتی یعنی اشخاصی که هیچوقت در انتخابات طهران سابقه نداشته بر کردند و آنها هم هر چه خواستند کردند و بقدری ناشی بودند که آثار جرم خود را نتوانستند محو نمایند .

شنیدم مرحوم مشیرالدوله که یکی از یا کدامن ترین رجال ما بود وقتیکه متصدی انتخابات طهران بود باو تکلیف کردند مرحوم سید محمد صکره را که بتصدیق آقای محمود محمود نظیر او از حیث اعتماد مردم و وطن پرستی امروز کم یافت میشود و من میدانم که آقای محمود ایشان را خوب میشناسند یک انجمن فرعی دعوت کند آمرحوم بنسایت اینکه کمره دمکرات ضد تشکیلی بود و شاید در انجمن رعایت نمایالت مسلک بکنند در صورتیکه درباره او چنین فرضی بمید بود تأمل داشت حالا مشیر الدوله سراز

گور بیرون یابود و ببینند که بجای سید محمد کمره انجمن نظارت تهران عصری رادر انجمن های فرعی شریک کرد که در محله خود معروف به (کریم خوشگله هستند) افتضاح انتخابات در موقع قرائت آراء در مسجد سهسالار دیگر هلنی شد پشت سر اکثر صندوقها مخصوصاً صندوقهای کدائی چاقو کشان معزوف را گذاشته بودند که کسی جرئت نکند طرز قرائت آراء را کنترل کند و بعضی از خوانندگان آراء هر طور دلشان میخواهد بخوانند ، اسم ها را عرض کنند بعضی ها را از قلم بیندازند بعضی ها را مکرر تبت کنند و وقتی که بعضی از ناظرین متهور از بین دانشجویان باین طرز عمل اعتراض میکردند بعضی از کارمندان انجمن اصلی آنها جواب میدادند همین است چه کنیم انتخابات عصر ام است گفتگو شد با بعضی از جوانهایی که آنجا ناظر بودند و بعد بگناه اینکه یکی از آن جوانها اعتراض کرده بود از خواندن آن اشخاص کدائی که آنجا بودند او را مضروب کردند حالا توضیح میدهم بنده موقع اینگونه اعتراضات بود که چاقو کش ها یکی از دانشجویان معترض را سخت مضروب و بچشم او آسیب رسانید مدرک من کارتی است که آقای کی نژاد عضو انجمن همان موقع نوشته و او را برای معالجه بپادام حمزوی معرفی کرده و این کارت را الان میخوانم پس از مرض سلام حامل این کارت آقای صاحب . . . که در اثر حادثه چشم ایشان صدمه دیده خواهشمندم ایشان را با دقت معاینه و معالجه فرمائید میخواهد این عین کارت است ملاحظه فرمائید و روزنامه ایران ماجریان این حادثه اسف انگیز را همان تاریخ مفصلاً نوشته که حاضر است بمایم گفتند و باز هم میگویند که انتخابات طهران حزبی بوده و حزب دمکرات فاتح شده است حزبی که در آن زمان هنوز چند ماه بیشتر از عمرش نگذشته بود آقای ملک الشراعه ، آقای محمود محمود ، آقای هاشم و کیل شاماه با محمد الهی و حاضرید فراموش نکرده اید انتخابات دوره چهارم تهران را که دو حزب یکی دمکرات تشکیلی و دیگری بنام دمکرات ضد تشکیلی با هم مبارزه کردند آقایان ملک و کیل جزء تشکیلیون بودند آقای محمود و بنده در صف ضد تشکیلی بودیم ، مبارزه کردیم اما مبارزه شرافتمندانه موفق هم شدیم و اکثرآ آزادیخواهان نامی مقیم خارج از ایران را انتخاب کردیم . آیا مادر آن تاریخ بعنوان مبارزه حزبی دست بمعلماتی زدیم که منافی آزادی افراد باشد ؟ آیا مادر آن زمان معصلین را ترور کردیم ؟ آیا ما رسدحله افراد مسلح بمعوطه مقدس دانشگاه فرستادیم ؟ که دانشجویان طرفدار آزادی انتخابات را بزنند و زخمی کنند و با الفاظ رکیب آنها اهانت نمایند . هکسهائی که همراه دارم نشان میدهند دانشجویان زخمی را که در بیمارستان یا تصد تختخوابی چند روز بستری شده اند و بکنفر دانشجویان تحت الحفظ بیاشگاه

حزب جلب میکردند ! اعتراض آقای دکتر سیاسی رئیس دانشگاه باین عمل که در جرایم منتشر شد بهترین گواه من است .

از دوره چهارم مجلس تا بحال عده تحصیل کرده ها در این شهر صد برابر شده ولی احترام حقوق این طبقه در جریان انتخابات دوره یازدهم چقدر تنزل کرد !

با اهالی پایتختش که صد ها هزار تحصیل کرده دارد در انتخابات معامله ای کردند که با اهالی مزلقان هم نمیشود کرد !

چند روز دیگر چهل و یک سال از عمر مشروطیت ما میگذرد واقعا از این سیر تکاملی آزادی انتخابات باید خجالت بکشیم !

آقای محمود شما که در جوانی مبارز آزادی بودید چرا حالا کموی سر تان سفید شده است ناظر این جریانات بودید ؟ (محمود محمود - جریان بدی نبود) اما حزب دمو کرات ایران من از کسانی هستم که وقتی شنیدم حزب دمو کرات تشکیل میشود ابتدا با مسرت تلقی کردم زیرا اساساً وجود حزب بزرگی رادر این کشور لازم میدانم (صحیح است) اما بعد که حزب تشکیل شد و شروع بعمل کرد روش آن اسباب تعجب شد روش این حزب دمو کراتیک نیست از دو نظر یکی اینکه افراد در حزب تأثیری ندارند و آراء عمومی حزب در سازمان های آن و در تصمیمات اساسی و هایت نمیشود و دیگر اینکه این حزب برای سایر جمعیت ها و احزاب آزادبخواه حق حیات اجتماعی عملاً قائل نیست . و بنده وقتی که ثابت کردم آنوقت آقا انشاء الله ساکت میشوند (دماوندی - این طور نیست در منتخب انتخابات صحبت فرمائید) اگر اعتراض دارید با آقای رئیس فرمائید این روش در قسمت اول موجب دل سردی جوانان شده است که تشنه شرکت در یک حزب بزرگی بودند و با ایمان کامل حزب دمکرات را استقبال کردند که چون این مسئله از امور داخلی حزب است بحث در آن مربوط بمن نیست . اما در قسمت دوم ناچارم بحث کنم زیرا همین روش حزب دمکرات که سایر جمعیت ها را هیچ میشمارد و بانک قوای دولت نه با تجهیزاتی که در کشورهای راقیه دمکراتیک برای احزاب جائز و معمول است میخواهد میدان سیاست را انحصار خود نماید منشاء مفاسد انتخابات طهران شده است که موضوع شکایت بنده است . در جریان انتخابات اخیر طهران بعضی جمعیتها بودند از قبیل جمعیت دانشجویان ، حزب مردم و حزب وحدت ایران حزب عدالت ، جمعیت وحدت ایران که اکنون موسوم بحزب آزیا است و حزب رادیکال و حزب ایران و استقلال و غیره و غیره که بدون رعایت تقد و تأخر اسم آنها را برد اینها برای آزادی انتخابات مبارزه کردند بعضی از آنها هم با هم در این مبارزه ائتلاف داشتند و با کمال صمیمیت همکاری کردند و بعضی ها مستقلاً کار میکردند این مبارزه چه ضرری داشت ؟ ولی متأسفانه دیدیم که با اجتماعات هادی این جمعیتها تعرض

نموده اند تشکر میکنم که افتخار نمایندگی خود را بمن داده اند و جبران معروفتی تهران را کردند. من باهالی مشکین شهر مخصوصاً بایل غیور و وطن پرست شامسون درود میفرستم (ناصری - شمارا نمیشناسند) (فرامرز - شمارا نمی شناسند آقا) (حاذقی - آقای ناصری حرف خودتان را پس بگردید) که امروز بمن فرصت داده اند که صدای حق را در مجلس شورای ملی طنین انداز کنم - من چگونه میتوانم راجع بانتخابات تهران مهر خاموشی بر لب بگذارم اگر محافظه کاری میکردم وساکت میمانم جواب بیست هزار نفر از همشهریان عزیز خود را که باتمام مخاطرات بن رای داده اند چه میتوانستم بدهم. بیست هزار نفری که از جوانان تحصیل کرده و افراد پاک اصناف پایتخت تشکیل شده و امروز چهل هزار چشم خود را بطرف من دوخته اند که در مجلس شورای ملی نسبت به مظلومیت آنها دادخواهی میکنم؟ یا اینکه بعد از بدست آوردن یک کرسی در این مجلس همه چیز را فراموش کرده بوظائف ملی خود پشت یا میزنم. آقایان مخبر محترم شمع در گزارش خود اظهار کردند که انتخابات تهران آزاد بوده. خدا این آزادی انتخابات را نصیب سیاهان افریقا هم نکند! از چند ماه قبل از شروع انتخابات برای کسانی که شانس انتخاب شدن در تهران داشتند ولی جزو لیست سیاه بودند امنیت نبود خود بنده یارسال تابستان هفته ای نبود که بتوقیف شدن تهدید نشوم و کسانی که بمنزل من رفت و آمد میکردند تحت نظر بودند. مجبور شدم چندی از شهر خارج شوم و بگویم ها پناه برم. چند روزی که بمنزله زیارت حضرت رضا و اجتناب از تضيیقات آنها بشهد مسافرت کردم پیرایه هایی بر این مسافرت بستند که واقفاً مضحك بود و اگر دوروز دیگر در مشهد مانده بودم حتماً توقیف میشدم. در همان ایام بود که آیه الله کاشانی را که وجودشان را در انتخابات تهران مؤثر میدانستند توقیف کردند و هر چه این شهر میدانست تا انتخابات تهران شروع و تمام نشود سر نوشت این روحانی جلیل القدر معلوم است آن ایام سلسله جناب این فجاج عصر خطر ناکی بود که عنوان معاونت سیاسی رئیس دولت را داشت

(بعضی از نمایندگان - آقا اسم ایشان را بگردید)

دکتر مبین دقتری - من اسم اشخاص را نمیرم خودتان بهتر میدانید (حاذقی - آقا اسم ایشان را بگردید مگر من) (صاحب است) و میگویند اگر بگریان انتخابات تهران اعتراضی دارم حق این بود که به اعتبارنامه های تمام دوازده نفر اعتراض کنم. من خود متوجه این نکات بودم و میدانستم چنین ایرادی بمن میشود اما با در نظر گرفتن اوضاع و احوال فعلی و یأس از نتیجه عملی یقین داشتم اگر بتمام اعتبارنامه های تهران اعتراض کنم تشنجی نظیر تشنج جلسه سابق در مجلس ایجاد میشود و ممکن است عواقب خلاف انتظاری داشته باشد و کاسه و کوزه را بر سر من بشکنند و نتیجه آن شود که در مورد یک اعتبارنامه هم نتوانم اعتراضات اهالی تهران را نسبت به فجایی که در انتخابات اخیر تهران شده است بعرض مجلس شورای ملی برسانم روی همان اصل بود و بنده در مورد یازده نفر ابتدا در رای شرکت نکردم

و خواستم این اصل خود را حفظ کنم. این بود که توضیح دادم راه عملی پیش گرفته در مورد اولین اعتبارنامه ای که مطرح میشود اظهار مخالفت کنم و نسبت بقیه از شرکت در جلسه خودداری نمایم و نسبت به اعتبارنامه آقای صادقی هم مخالفت من بنا بر نمایان باره ای از محافظ وطن پرست آذربایجانی بود که من رعایت احساسات آنها را بر خود لازم میدانم والا من طرفیت شخصی با آقای صادقی نداشتم (نمایندگان - احسن) و وقتی که بر اثر تشنج جلسه سابق آقای امامی نماینده محترم آذربایجان از مخالفت با آقای صادقی منصرف شدند و علناً از من خواهش کردند که من هم از ایشان پیروی کنم بنا با احترام آقایان همکاران آذربایجانی مخالفت خود را مسترد داشتیم.

اما در انتخاب اعتبارنامه آقای دکتر امینی برای اظهار مخالفت تصادفاً دلایل موجه دیگری نیز دارم:

مدافعت انجمن نظار که مورد رسیدگی شمع چهارم واقع شده فقط در گزارش اعتبارنامه آقای دکتر امینی مندرج است.

تائید شکایت و دادخواهی من در واقع از انجمن نظار طهران است و ایشان هم در انجمن شرکت داشته اند و الا من از حیث صلاحیت شخصی امتیازی برای یازده نفر منتخبین دیگر طهران نسبت با آقای دکتر امینی قائل نیستم و ابتدا خیال ندارم در این موقع وارد در مسائل شخصی بشوم و جز جریان سوء انتخابات طهران عرضی نخواهم کرد. پس تصدیق میفرمائید که مخالفت من بر خلاف ایراداتی طهران بودند بخواند که بدخواست قانونی شاکیان برای حفظ ظاهر هم باشد ترتیبی بدهد. راجع بمواد شکایات و دفاعیه که انجمن کرده و در گزارش شمع منعکس است بعد تفصیلاً توضیح عرض خواهم کرد. فعلاً ناچارم یک نکته را توضیح بدهم و آن ایرادی است که بمن میگیرند که چرا در اظهار مخالفت در باره اعتبارنامه آقای دکتر امینی اکتفا کرده ام و مخالفت خود را نسبت به آقای صادقی پس گرفته ام بنده از نظر احترامی که بموم تحصیل کرده ها در این کشور دارم این احترام همیشه شامل حال ایشان همست (صاحب است) و میگویند اگر بگریان انتخابات تهران اعتراضی دارم حق این بود که به اعتبارنامه های تمام دوازده نفر اعتراض کنم. من خود متوجه این نکات بودم و میدانستم چنین ایرادی بمن میشود اما با در نظر گرفتن اوضاع و احوال فعلی و یأس از نتیجه عملی یقین داشتم اگر بتمام اعتبارنامه های تهران اعتراض کنم تشنجی نظیر تشنج جلسه سابق در مجلس ایجاد میشود و ممکن است عواقب خلاف انتظاری داشته باشد و کاسه و کوزه را بر سر من بشکنند و نتیجه آن شود که در مورد یک اعتبارنامه هم نتوانم اعتراضات اهالی تهران را نسبت به فجایی که در انتخابات اخیر تهران شده است بعرض مجلس شورای ملی برسانم روی همان اصل بود و بنده در مورد یازده نفر ابتدا در رای شرکت نکردم

مردم اینگونه دخالت های مستقیم دارند و بیشروران عهد و عهد مأمورین باشند مشروطیت در ایران متزلزل خواهد بود این که کمترین سند سیاسی بنده است آقایان بنده طرفدار آزادی اقتصاد هستم و نظریات خود را در طی رساله مفصلاً نوشته ام و عقیده ام این است که باید حتماً تجدید نظری در رژیم اقتصادی کشور بکنیم و با تصویب قوانین جدید در این دوره انشاءالله گریبان مردم کاسب و زحمت کش را از دست مأمورین خلاص کنیم و باین پروانه بازی ها که منشاء مفاسد بزرگ است خاتمه دهیم و ضمناً یک قدم اساسی برای احیاء آزادی افراد که اساس مشروطیت است برداریم. و عقیده ام این است که از این بیمه انشاءالله در تحت توجهات آقایان نفوذ در این کشور باید نفوذ معنوی باشد. یعنی هر کس بواسطه خدمات خود جلب توجه مردم را بکند این یک نفوذ معنوی مشروعی است و الا با قدرت اقتصادی دولت نفوذ پیدا کردن بوسله امتیازاتی که دولت دست خودش گرفته امتیازات انحصاری. باین وسایل اعمال نفوذ کردن در زندگی مردم این شالوده مشروطیت ما را بکلی از بین میبرد ملاحظه می فرمائید وضع بازار امروز ما با وضع بازار بیست سال قبل ما در آن زمان چقدر بازرگانان آزاد بخواه داشتیم چه خدماتی بشروطیت ایران در ابتدای مشروطیت این طبقه تجار و بازرگانان ما با آزادی ایران و بشروطیت ایران کردند ولی امروز چقدر این بازرگانان ما ناراضی هستند می بینند ابتکارشان فعالیتشان در مقدراتشان کوچکترین اثری ندارد هر کس بند و بست داشته باشد بیشتر موفق میشود یعنی بند و بست بوسله بدست آوردن پروانه و از این قبیل چیزها این رژیم را استعفا میکنم که در این مجلس در نظر داشته باشید این رژیم آقایان بایستی تغییر بکنند و نفوذ اقتصادی در این کشور بایستی جای خودش را بدهد بنفوذ معنوی (صاحب است)

این یک برتری بود از آقای مخبر خیلی معذرت می خواهم باری انجمن اصلی انجمن های فرهی را اکثر آ از بستگان و نوکرهای شخصی کاندیدا های دولتی یعنی اشخاصی که هیچوقت در انتخابات طهران سابقه نداشته بر کردند و آنها هم هر چه خواستند کردند و بقدری ناشی بودند که آثار جرم خود را نتوانستند معو نمایند.

شنیدم مرحوم مشیرالدوله که یکی از یا کدمان ترین رجال ما بود وقتیکه متصدی انتخابات طهران بود باوتکلیف کردند. مرحوم سید محمد صکره را که بتصدیق آقای محمود محمود نظیر او از حیث اعتماد مردم و وطن پرستی امروز کم یافت میشود و من میدانم که آقای محمود ایشان را خوب میشناسند یک انجمن فرهی دعوت کند آن مرحوم بمناسبت اینک کمره دمکرات ضد تشکیلی بود و شاید در انجمن رعایت تمایلات مسلکی بکند در صورتیکه درباره او چنین فرضی بعید بود تامل داشت حالا مشیر الدوله سراز

گور بیرون بیاورد و ببینند که بجای سید محمد کمره انجمن نظرات تهران عناصری را در انجمن های فرهی شرکت کرد که در محله خود معروف به (کریم خوشگله هستند) افتضاح انتخابات در موقع قرائت آراء در مسجد سیهسالار دیگر هلنی شد بشت سر اکثر صندوقها مخصوصاً صندوقهای کذائی چاقو کشان معزوف را گذاشته بودند که کسی جرئت نکند طرز قرائت آراء را کنترل کند و بعضی از خوانندگان آراء هرطور دلشان میخواهد بخوانند. اسم ها را عرض کنند بعضی ها را از قلم بیندازند بعضی ها را مکرر تبت کنند و وقتی که بعضی از ناظرین متهور از بین دانشجویان باین طرز عمل اعتراض میکردند بعضی از کارمندان انجمن اصلی با آنها جواب میدادند همین است چه کنیم انتخابات عصر ام است گفتگو شد با بعضی از جوانهایی که آنجا ناظر بودند و بعد بگناه اینکه یکی از آن جوانها اعتراض کرده بود از خواندن آن اشخاص کذائی که آنجا بودند او را مضروب کردند حالا توضیح میدهم بنده. موقع اینگونه اعتراضات بود که چاقو کش ها یکی از دانشجویان معترض را سخت مضروب و بچشم او آسیب رسانید مدرک من کارتی است که آقای کی نژاد عضو انجمن همان موقع نوشته و او را برای معالجه بپادام حمزوی معرفی کرده و این کارت را الان میخوانم پس از عرض سلام حامل این کارت آقای صاحب ۰۰۰ که در اثر حادثه چشم ایشان صدمه دیده خواهشمندم ایشان را با دقت معاینه و معالجه فرمائید میخواهد این عین کارت است ملاحظه فرمائید و روزنامه ایران ماجریان این حادثه اسف انگیز را همان تاریخ مفصلاً نوشته که حاضر است بمایه گفتند و بازم میگویند که انتخابات طهران حزبی بوده و حزب دمکرات فاتح شده است حزبی که در آن زمان هنوز چند ماه بیشتر از عمرش نگذشته بود آقای ملک الشعراء آقای محمود محمود آقای هاشم وکیل شاهماجدالدی و حاضرید فراموش نکرده ام انتخابات دوره چهارم تهران را که دو حزب یسکی دمکرات تشکیلی و دیگری بنام دمکرات ضد تشکیلی با هم مبارزه کردند آقایان ملک و وکیل جزء تشکیلیون بودند آقای محمود و بنده در صف ضد تشکیلی بودیم. مبارزه کردیم اما مبارزه اشراقتدانه موفق هم شدیم و اکثر آ از اینخواهان نامی مقیم خارج از ایران را انتخاب کردیم. آیا مادر آن تاریخ بنوان مبارزه حزبی دست به ملیتای زدم که منافی آزادی افراد باشد؟ آیا مادر آزمون محصلین را زور کردیم؟ آیا ما رسدحماً افراد مسلح بمعوطه مقدس دانشگاه فرستادیم؟ که دانشجویان طرفدار آزادی انتخابات را برنندوزخمی کنند و الفاظ رکیک با آنها امانت نمایند. هکسهای که همراه دارم نشان میدهند دانشجویان زخمی را که در بیمارستان یا نصد تختخواهی چند روز بستری شده اند و بکنند دانشجویان تحت العطفیاشگاه

حزب جلب میکردند. اعتراض آقای دکتر سیاسی رئیس دانشگاه باین عمل که در جراید منتشر شد بهترین گواه من است.

از دوره چهارم مجلس با بحال صده تحصیل کرده ها در این شهر صد برابر شده ولی احترام حقوق این طبقه در جریان انتخابات دوره یازدهم بصر تزلزل کرد!

با اهالی پایتختش که صدها هزار تحصیل کرده دارد در انتخابات معامله ای کردند که با اهالی مزلقان هم نمیشود کرد!

چند روز دیگر چهل و یک سال از عمر مشروطیت ما میگذرد و اقامت از این سیر تکاملی آزادی انتخابات باید خجالت بکشیم!

آقای معمود شما که در جوانی مبارز آزادی بودید چرا حالا کوهی سرتان سفید شده است ناظر این جریانات بودید؟ (محمود محمود جریانی بدی نبود) اما حزب دموکرات ایران. من از کسانی هستم که وقتی شنیدم حزب دموکرات تشکیل میشود ابتدا با مسرت تلقی کردم زیرا اساساً وجود حزب بزرگی را در این کشور لازم میدانم (صاحب است) اما بعد که حزب تشکیل شد و شروع بعمل کرد روش آن اسباب تعجب شد روش این حزب دموکراتیک نیست از دو نظر یکی اینکه افراد در حزب تأییدی ندارند و آراء عمومی حزب در سازمان های آن و در تصمیمات اساسی رعایت نمیشود و دیگر اینکه این حزب برای سایر جمعیتها و احزاب آزادیخواه حق حیات اجتماعی عملاً قائل نیست. و بنده وقتی که ثابت کردم آتوق آقا انشاءالله ساکت میشوند (دماوندی - این طور نیست در منتخب انتخابات صحبت بفرمائید) اگر اعتراض دارید با آقای رئیس بفرمائید این روش در قسمت اول موجب دل سردی جوانان شده است که تشنه شرکت در یک حزب بزرگی بودند و با ایمان کامل حزب دمکرات را استقبال کردند که چون این مسئله از امور داخلی حزب است بحث در آن مربوط بن نیست. اما در قسمت دوم ناچارم بحث کنم زیرا همین روش حزب دمکرات که سایر جمعیتها را هیچ بشمارد و باتکاه قوای دولت نه با تجهیزات در کشورهای راقیه دمکراتیک برای احزاب جائز و معمول است میخواهد میدان سیاست را انحصار خود نساید منشاء مفاسد انتخابات طهران شده است که موضوع شکایت بنده است. در جریان انتخابات اخیر طهران بعضی جمعیتها بودند از قبیل جمعیت دانشجویان. حزب مردم و حزب وحدت ایران حزب عدالت. جمعیت وحدت ایران که اکنون موسوم بحزب آریا است و حزب رادیکال و حزب ایران و استقلال وغیره وغیره که بدون رهایت تقد. و تأخر اسم آنها را بردم اینها برای آزادی انتخابات مبارزه کردند بعضی از آنها هم با هم در این مبارزه ائتلاف داشتند و با کمال صمیمیت همکاری کردند و بعضیها مستقلاً کار میکردند این مبارزه چه ضروری داشت؟ ولی متأسفانه دیدیم که با اجتماعات هادی این جمعیتها تعرض

مردم اینگونه دخالت های مستقیم دارند و بیشروران عهد و عهد مأمورین باشند مشروطیت در ایران متزلزل خواهد بود این که کمترین سند سیاسی بنده است آقایان بنده طرفدار آزادی اقتصاد هستم و نظریات خود را در طی رساله مفصلاً نوشته ام و عقیده ام این است که باید حتماً تجدید نظری در رژیم اقتصادی کشور بکنیم و با تصویب قوانین جدید در این دوره انشاءالله گریبان مردم کاسب و زحمت کش را از دست مأمورین خلاص کنیم و باین پروانه بازی ها که منشاء مفاسد بزرگ است خاتمه دهیم و ضمناً یک قدم اساسی برای احیاء آزادی افراد که اساس مشروطیت است برداریم. و عقیده ام این است که از این بیمه انشاءالله در تحت توجهات آقایان نفوذ در این کشور باید نفوذ معنوی باشد. یعنی هر کس بواسطه خدمات خود جلب توجه مردم را بکند این یک نفوذ معنوی مشروعی است و الا با قدرت اقتصادی دولت نفوذ پیدا کردن بوسله امتیازاتی که دولت دست خودش گرفته امتیازات انحصاری. باین وسایل اعمال نفوذ کردن در زندگی مردم این شالوده مشروطیت ما را بکلی از بین میبرد ملاحظه می فرمائید وضع بازار امروز ما با وضع بازار بیست سال قبل ما در آن زمان چقدر بازرگانان آزاد بخواه داشتیم چه خدماتی بشروطیت ایران در ابتدای مشروطیت این طبقه تجار و بازرگانان ما با آزادی ایران و بشروطیت ایران کردند ولی امروز چقدر این بازرگانان ما ناراضی هستند می بینند ابتکارشان فعالیتشان در مقدراتشان کوچکترین اثری ندارد هر کس بند و بست داشته باشد بیشتر موفق میشود یعنی بند و بست بوسله بدست آوردن پروانه و از این قبیل چیزها این رژیم را استعفا میکنم که در این مجلس در نظر داشته باشید این رژیم آقایان بایستی تغییر بکنند و نفوذ اقتصادی در این کشور بایستی جای خودش را بدهد بنفوذ معنوی (صاحب است)

این یک برتری بود از آقای مخبر خیلی معذرت می خواهم باری انجمن اصلی انجمن های فرهی را اکثر آ از بستگان و نوکرهای شخصی کاندیدا های دولتی یعنی اشخاصی که هیچوقت در انتخابات طهران سابقه نداشته بر کردند و آنها هم هر چه خواستند کردند و بقدری ناشی بودند که آثار جرم خود را نتوانستند معو نمایند.

شنیدم مرحوم مشیرالدوله که یکی از یا کدمان ترین رجال ما بود وقتیکه متصدی انتخابات طهران بود باوتکلیف کردند. مرحوم سید محمد صکره را که بتصدیق آقای محمود محمود نظیر او از حیث اعتماد مردم و وطن پرستی امروز کم یافت میشود و من میدانم که آقای محمود ایشان را خوب میشناسند یک انجمن فرهی دعوت کند آن مرحوم بمناسبت اینک کمره دمکرات ضد تشکیلی بود و شاید در انجمن رعایت تمایلات مسلکی بکند در صورتیکه درباره او چنین فرضی بعید بود تامل داشت حالا مشیر الدوله سراز

را تحت عنوان کلاس يك جا جمع کردند. اينده بودند که در انتخابات تهران چه در شهر و چه در حومه ناخست و تاز کردند .

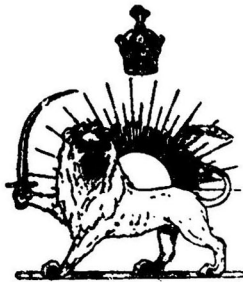
انتخابات هم که تمام شد تا اول فروردین وزارت کار از بودجه خود تحت عنوان کلاس موهوم جور آنها را کشید قرار بود از اول سال جاری رسماً آنها را بعنوان دوت پایه استخدام کنند و بخارج اعزاء شوند ، لیکن برای جشن سالانه حزب آنها را نگاهداشتند و جشن هم که برگزار شده هنوز در مرکز مانده اند هیچ کاری ندارند و برای خود می گردند و آماده اجراء اوامر حزبی هستند . اخیراً اکثر آنها در میدان بهارستان مراقب مجلس هستند ، این عده برای وزارت کار تاکنون يك میلیون و هشتصد هزار ریال تمام شده است یکصد نفر ، نفری شصت ریال در مدت ده ماه (از مهر تا تیر) غیر از هزینه سفر که در سال گذشته وزارت کار ۹۷۰۰۰۰ ریال خرج سفر مصرف شده که قسمت مهم آن صرف آمدورفت همین عده بحومه تهران یا بعضی شهرستانها بمنظور انتخابات شده است .

از طرف دیگر وزارت کار در سال گذشته ده عدد اتومبیل جیب خریده است خرید اینها تماماً مدرك دارد آقایان بنده بی مدرك چیزی مرض نمیکنم در حدود يك میلیون ریال و قریب هشتصد هزار ریال هزینه سوخت و تعمیر آنها را داده ، البته غیر از مواجب شوفاها غیر از دو عدد از آنها که در اختیار وزارت خانه بوده بقیه جیبها برای انتخابات از شهر خارج شده اند .

بقیه دارد

جوانان يك این شهر هستند مثلاً انتخاب می شدند چه ضروری داشت ؟ من نمیگویم که این آقایان میبایستی حتماً انتخاب شوند اما آیا انصاف است که این عناصر هملاً از حق انتخاب شدن محروم شوند ؟ اکنون می خواهم ثابت کنم که انتخابات طهران را حزب نبرده بلکه صورت ظاهر حزب برده و باطناً قوای دولت این انحصار انتخاباتی را برای حزب دمکرات تأمین کرده است آقایان درست دقت بفرمایند اطلاعاتی مرض میکنم که قابل تردید نیست . فعالیت انتخاباتی تهران که بنام حزب بود در واقع بدست وزارت کار و تبلیغات که وجود خودش هنوز قانونی نیست صورت گرفت و قسمت اعظم مخارج آنرا از بودجه آن وزارتخانه تأمین کردند . در مهرماه ۱۳۲۵ مقدمات کار را آن وزارتخانه فراهم کرد ، تدبیری اندیشیدند و دستگامی بنام کلاس اختصاص وزارت کار درست کردند که ابتدا ۵۰ نفر گرفته و بعد عده را تقریباً به یکصد و هفت نفر رساندند باین اشخاص مطابق قوانین استخدامی نمیتوانستند حقوق کافی بدهند این بود که تحت عنوان دانش آموز کلاس روزی قریب شصت ریال بعنوان هزینه اهاشه محصل و فوق العاده خروج از مرکز (چهل ریال بعنوان هزینه اهاشه و بیست ریال بعنوان فوق العاده) کلاس هملاً وجود خارجی پیدا نکرد فقط روزهای اول ماه مهر چند روزی بعنوان فورمالیته این عده

میگردند و از سخنرانیهای آنها باسم حزب دمکرات جلوگیری نمیدوند . این درست نیست و هوایب و خیم دارد امعنی دمکراسی این است که کلبه احزاب بشرط اینکه بقانون اساسی و مذهب رسمی کشور و سلطنت مشروط ایمان داشته باشند باید در حدود قوانین از آزادی مخصوصاً آزادی انتخابات متمنع باشند . اگر واقعاً حزب دمکرات باقوة تبلیغ آزاد و فعالیت افراد خود اکثریت را در انتخابات طهران میبرد و از قوای دولت استفاده میکرد چنانکه سابقاً مثلاً در دوره چهارم مجلس که مرض کردم دمکرات تشکیلی و صد تشکیلی انتخابات طهران را بردند این حزب قابل ستایش بود و ما از محرومیت خود ابدأ شکایت نمی کردیم ، اما آقایان هیچ شایسته و قابل قبول نیست که بنام دمکراسی جریاناتی پیش بیاورند که اشخاص معینی حتماً انتخاب شوند . (مهندس رضوی - بیست سال حکومت دیکتاتوری همینطور بوده است .) (مکی بنشین آقا صحبت نکن) (رئیس خطاب بدماوندی - بسره بنشین ساکت باش) و اشخاص معینی هم بهر قیمت هست انتخابات شوند اگر آیه الله کاشانی یا آقای امام جمعه که مورد احترام مردم هستند یا آقای میرزا محمد صادق طباطبائی که موی سرش را در خدمت مشروطیت سفید کرده یا آقای زهم که رفیق پایدار مرحوم مدرس بود یا آقایان دکتر جزائری و خلعت بری و دکتر سنجابی که از



روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی ایران

شامل: متن قوانین - تصویبنامهها - صورت مفصل مذاکرات مجلس شورای ملی
سؤالات - اخبار رسمی - فرامین - انتصابات - آئین نامهها - بخش نامهها - آگهی های رسمی

شماره تلفن: اداره ۵۴۴۸ - اطاق رئیس ۹۴۴۱

سال سوم - شماره ۷۲۱

صفحه ۱۸۶۱

مدیر سید محمد هاشمی

۱ شنبه ۱۸ مرداد ماه ۱۳۲۶

دوره پانزدهم قانونگذاری

شماره مسلسل ۱۴۸۳

روزنامه یومیه

فهرست مندرجات

- ۱ - صورت مشروح بقیه مذاکرات چهارمین جلسه دوره پانزدهم از صفحه ۱ تا ۴
- ۲ - آگهی های رسمی

میکنید؟ اجازه بگیریید آقا حرف بزنید ما شما را خوب میشناسیم و از سوابق شما هم خوب اطلاع داریم اما جیب های متعلق بوزارت کار که این دانش آموزان عصر ام از این جا بانجا برده وهمه از تاریخ بیستم آبان ۱۳۲۵ آماده کارهای حزب بوده از این قرار است:

جیب شماره ۴۲۴ برای تهران و ساوجبلاغ جیب شماره ۷۳۵ برای رشت و گیلان از بیستم آبان تحویل آقای ارستجانی شده بعد از انتخابات در تصرف ایشان مانده بعنوان اداره روزنامه دمکرات ایران (همه همگی بعضی از نمایندگان)

رئیس - آقایان نظم جلسه را رعایت فرمائید حقوق صد و چند نفر دانش آموزو این جیبها بعلاوه چون مخارج تبلیغاتی حزب هم بایستی تأمین شود هر حزبی روزنامه ای میخواهد اما بیچاره احزاب ما که موفق نمیشوند حتی يك شماره روزنامه منتشر کنند برای چه بود بالاخره جیب شماره ۷۳۶ برای انتخابات حومه طهران و اداره روزنامه بهرام و دیپلمات.

جیب شماره ۷۳۹ برای حومه تهران برای انتخابات نجف آباد و ساوجبلاغ و غیره.

جیب شماره ۷۴۰ برای انتخابات در شهریار حومه طهران و برای خراسان.

جیب شماره ۷۵۲ برای سندیکای کارگران و حزب دمکرات تحویل مأمور حزب در سندیکا که از ذکر اسم او خودداری میشود، بعد بشیراز برای انتخابات فسا رفته است.

جیب شماره ۸۵۴ برای انتخابات حومه تهران.

مذاکرات مجلس

بقیه جلسه ۴

۲۵۹۲ برای فرا گرفتن تعلیمات مربوطه بشیران و کن و سولقان ۱۰۰۰ اینطور مینویسد: بوجوب این حکم شما مأموریت داده میشود برای فرا گرفتن تعلیمات مربوطه بکن و سولقان رفته زیر نظر بازرسین وزارت کار انجام وظیفه نمایند وزیر کار و تبلیغات و بوجوب ابلاغ شماره ۸۲۵۰ - ۲۵۹۲ از تاریخ ۱۰/۸/۲۵ روزانه مبلغ ۴۰ ریال با اضافه فوق العاده اعطاء شده است. نظیر این احکام شماره ۱۰۶۳۷ - ۱۰۹۱۰ و شماره ۸۳۴۲ - ۲۵۹۲ بعنوان آقای ابوالفتح کاظمی و شماره ۸۲۴۰ - ۲۵۹۲ و شماره ۴۲۶۱ - ۲۵۷۲۵ بعنوان علی اکبر بیگدلی صادر شده است که آنها هم برای فرا گرفتن تعلیمات مربوطه بعومه طهران رفته اند (ناصری). اگر اینها نبودند توده ایها شمارا خورده بودند اینها شیر بودند) خوب بود هزینه این شیرها را از مالیه خودتان استخدام میفرمودید و بخرانه ملت تحویل نمیکردند. تاریخ این احکام را اگر دقت کنید هر کدام فاصله کمی از شروع اخذ آراء در طهران بوده که بان فاصله لابد برای وصول و ایصال هزینه سفر از مجرای حسابداری بوده است.

(فرامرزی - آقای ناصری شما خوب بود برین ورامین به بیند درخوار و ورامین که توده وجود نداشت. اصلا مثل اینکه جبارا از این ملک صادر کرده اند، شما با آقای دکتر متین دفتری مخالفت

چندر حومه طهران و چه در شهرستانها آن عده موسوم به «دانش آموز» را بمأموریت حزبی برده یا اینکه در اختیار بعضی از عاملین سرشناس حزب گذاشته است، برای اثبات مدعی خود اینک چند فقره احکامی از طرف وزارت کار بعده افراد این عده موسوم به «دانش آموز» را با تاریخ و نمره این حکم وزارتی است توجه فرمائید برای آقایان میخوانم:

(۱ - شماره ۸۳۴۷ تاریخ ۲۵/۹/۲۵ وزارت کار و تبلیغات (بعضی از نمایندگان چه مامی بوده است آقا)، اردلان - آذرماه) آقای عبدالله معاذی دانش آموز کلاس اختصاصی وزارت کار و تبلیغات بوجوب این حکم شما مأموریت داده میشود که برای فرا گرفتن تعلیمات مربوطه بپلواسانات رفته و زیر نظر بازرسین وزارت کار انجام وظیفه نمایند (خنده حضار) رئیس - نظم جلسه را رعایت فرمائید.

دکتر متین دفتری - کلمه بازرسین را دقت فرمائید این نمونه سواد را ببینید (یکی از نمایندگان وزیر کار در آن موقع کی بوده است) (اقبال - اسدی کتیبه است) بوجوب این حکم بهمین عبدالله معاذی بوجوب ابلاغ شماره ۸۲۲۲ - ۲۵۹۲ از تاریخ ۸/۱۰/۲۵ روزانه مبلغ ۳۵ ریال بعنوان هزینه اعاشه ۲۰ ریال فوق العاده اعطا شده است. اینها سند است باز هم از این اسناد داریم برای آقایان میخوانم به آقای مرتضی شفیع دانش آموز بوجوب حکم نمره ۸۲۹۰ -

جیب شماره ۷۴۱ هم برای حومه تهران. هر یک از این جیبها ۲۵ الی سی هزار کیلومتر کار کرد هاند کک دیگری که از بودجه وزارت کار بجز میشود این است که در ماده ۹ بودجه آن وزارت خانه مبلغ ۵۷۰۰۰۰۰ بعنوان حق الزحمه نوازندگان و گویندگان رادیو منظور است که مخارج روزنامه دیپلمات روزنامه دمکرات ایران و همچنین حق السکوت باج سیل هده بطور ماهیانه از این محل تأمین میشود. (دماوندی - انتخابات خودتان کثیف ترین نقاط بوده است) (رئیس - پس ساحت پش حرف زیادی نزن) اکنون بر میگرددیم بکار انجمن و شکایاتی که انجمن کرده و سفسطه بیش نیست که حالا بیک شرح میدهم در اینها تردید نداشته باشید زیرا من هیچوقت بدون سند صحبت نمیکنم اگر از روزنامه دمکرات اسم بردم برای انتخابات با روزنامه دمکرات حربه بود برای انتخابات.

دماوندی - راجع بانقلابات صحبت کنید
دکتر متین دفتری - بوجه آقای ابوالکلام شما شاکرد من بودید باید حق استادی را حفظ کنید بگذارید دیگران ایراد کنند (بعضی از نمایندگان بفرمائید) شما شاکرد من بودید آخر اخلاق هم در دنیا یک چیزی است (دماوندی - بدون جهت شما آخر به حزب تهمت نزنید)

رئیس - بین الاثنین صحبت نفرمائید.
فرامرزی - منشی تان را اداره کنید.

دکتر متین دفتری - این اعمال وزارت کار بوده است ، یک وزارت کاری که هنوز خودش هم صورت قانونی ندارد بنده نمیخواهم بگویم که دولت در این کار اطلاع داشته است یا خیر ، وزارت کار خود سرانه کرد . بیش خود کرد یا از روی نظریات حزبی بعضی از سرانش کرده من نمیدانم بنده آنچه که واقع شده عرض میکنم و برض آقایان نمایندگان میرسانم از بودجه وزارت کار این مخارج را کرده اند حالا با اطلاع دولت بوده است یا خیر بنده نمیدانم وعده کرده بودم راجع بدفاع انجمن نظار مفصلا بحث کنم آقای مغیر توجه بفرمائید نظریاتی که در گزارش شبه بعنوان مدافعات . انجمن نظار منعکس شده نمیدانم خود شبه هم این مدافعات را قبول کرده یا اینکه فقط گزارش داده اند اینجاساملی موادی هست در این شکایات بنده در آن قسمتهای مهمل وارد میشود که وقت آقایان را تضییع نکنم ، قسمت اعتراضاتی که نسبت بانجمن نظار طهران شد در موعده قانونی و دفاعی که کرده اند و در پرونده گذارده اند معلوم شد که در شبه چهارم مجلس شورای ملی طرح شده است و در گزارش مخبر هم منعکس است بنده حالا بعضی از مواد آن را جواب میدهم آنجا میگویند که اعتراض سوم این است که اعضاء شب از افراد حزبی و شخصیت انتخاب شده و اغلب عضو حزب دمکرات هستند .

در جواب این اعتراض خود انجمن گفته است اعضاء از معتمدین مجلسی انتخاب شده است و اسم ایشان و اسمی معتمدین قبل در فرمانداری حاضر است و نظر دیگری در کار نبوده است و هیچ شرط دیگری جز معتمد بودن برای عضویت شبه در قانون نیست بنده آن مورد را گفتم حالا اگر بخواهم بنده تمام صورت افراد کمیسیون ها و شعب محلی را این جا طرح بکنم اهانت باشخاص میشود ، اشخاص هم که اینجا نیستند از خودشان دفاع کنند این خلاف اخلاق میشود و آن را اهانت میدانم ، یکی را که عرض کردم شخص معروف به کریم خوشگل که در انجمن دعوت کرده اند ، نمیدانم مشمول این عنوان میشود یا نه ولی میخواهم یک گله دوستانه از انجمن نظار بکنم که شما اقتضا داشت آقایانیکه در کارخانه بلور یک صندوق تأسیس بکنید و نزدیکان همان کارخانه که میخواهم اینجا وارد خصوصیات شخصی بشوم بصدی صندوق قرار بدهند ولی برای دانشگاه تهران که هفت هزار دانشجو دارد یک صندوق نگذارید این انصاف نیست ، یکی دیگر راجع باین است که میگویند و اعتراض شده در تعیین مدت اخذ آراء (۴ - مدت اخذ آراء مطابق نظر دولت هفت روز تعیین شده و طرز اخذ آراء صحیح بوده است یعنی بیشتر از مقدار رائی که در مدت معین ممکن بوده است گرفته شود در بعضی از صندوقها گرفته شده است و نیز در جریان قرائت آراء در شعبه انبار کالا اسم بعضیها روی اوراق قلم زده شده و بجای آن اسم دیگری نوشته شده است . انجمن مدعی است که اینکار را در املاء عام نمیشود کرد راست است اما بوسیله حسین جمهری میشود شبانه پاکت ها را عوض نموده و باوینچ هزار تومان انعام و شغل پر دخل ریاست انبار را داد .

راجع بچند صندوق در بخش ه که اعتراض شده است در مدت هفت روز چگونه ۶۶۰۰ رأی گرفته شده است ضمن توضیحی که وسیله انجمن از شعبه مزبور خواسته شده جواب داده اند حاضرند بر خلاف اعتراض معترضین صحت کار شبه را عملات ثابت نمایند و اعضاء شبه مزبور را انجمن مرکزی دعوت و حضوراً عمل نموده اند ملاحظه شد که در مدت ۵ دقیقه ۲۶ تفرقه صادر و در دفتر ثبت کرده اند آقایان بقرض در مدت یک پنج دقیقه اشخاص این کار را کرده باشند در صورتیکه اگر در جلوی مجلس این کار را تکرار میکردند بنده قبول میکردم (ملک الشعراء بهار من شاهد من بچشم خود دیدم) اگر شما دیدید فقط یک پنج دقیقه را دیده اید . و اما بقرض در مدت یک پنج دقیقه آدم توانست یک کار فوق العاده بکند آقایانصاف بدهید از صبح تا ۷ بعد از ظهر تمامه دقیقه ها همین قدر ظرفیت را میتوانند داشته باشند آیا ممکن است در ظرف هفت روز از صبح تا ۷ بعد از ظهر یکمده ای نه جای بخورند نه سبک بکشند و هیچ وقفه در

در مورد دیگر انجمن جواب داده است که بهترین دلیل آزادی انتخابات همانا نطق و تظاهراتی است که از طرف اشخاص میشد و کاندیدای خود را با کمال آزادی منتشر و تبلیغ میکردند و همچنین آراء زیادی است که کاندیدهای مختلف دادند .

کارشان پیدا نشود و مثل ماشین دست آنها حرکت بکند ؟ و با کار متودیک مثل سیستم میلرور که در اقتصاد آقایان میدانند بطوریکه تمام کارها منظم و یکمده مثل ماشین کار کنند در ظرف ۵ دقیقه ممکن است کار چند نفر چنین راندمانی داشته باشد اما آیا میشود تصور کرد که عده بتوانند که در ظرف ۷ روز بیش از ظهرا و بعد از ظهرا در تمام ۵ دقیقه های متصل بهم اینقدر تفرقه صادر کنند این از معاملات است ، اگر کسی اینرا ثابت کرد بنده حاضر تمام حرفهای خودم را پس بگیرم بملام خود آقای استاندار که اینجا حاضر هستند روزی که آقای نخست وزیر برای سر کشی بانجمن نظار میرفته بودند در جواب ایشان پرسیده بودند که یک تفرقه در چه مدت صادر میشود گفته بودند در مدت ۵ دقیقه (محمود - این طور نیست آقا) ماکه در جراید اینطور خواندیم و جنابعالی هم تکذیب نفرمودید .

رئیس - سؤال از اشخاص نفرمائید .

دکتر متین دفتری - یک نکته دیگری که در گزارش شبه اسم برده شده است و بنده برای اینکه وارد مسائل شخصی نشوم حتی اسمی اشخاصیکه در اینجا چاپ شده است نمیخوانم در اعتراض گفته شده است که چطور شد در بین کاندیدهای دولتی در روز های آخر بعضیها رفتند بالا و بعضیها آمدند پائین انجمن در جواب گفته است این عمل در حضور عده ایکه متجاوز از هزار نفر بوده است غیر ممکن بود اما ما اطلاع داریم که حسین جمهری همین حسین جمهری را که چندی پیش هم فوت کرد شب احشوارش کردند و او پاکت ها را عوض کرد و اینچهار تومان هم بابت این عمل انعام گرفت .

و علاوه شغل پر دخل ریاست انبار کالا را باو دادند و اگر بتاریخ انصاف و تصدی او مراجعه و دقت بفرمائید عرض بنده ثابت میشود و معلومست که اینکار را هیچوقت در حضور هزار نفر نمیکند .

بلی آقایان بسا ادها میشود همه این حرفها را نوشت ولی اکثر آقایانیکه در آن موقع در تهران حضور داشتند و این جریانرا دیدند میدانند که من چه عرض میکنم و میدانند که پادانشجویان دانشگاه چه معامله کردند وقتی در حزب مردم که بنا شد یک سخنرانی ساده انتخاباتی بشود چه رفتار و عملی انجام دادند روزنامه ارگان یکی از احزاب حاضر است نوشته است که عده رجاله با کمک پلیس مانع از این میشدند که افراد آن حزب اعلانات تبلیغاتی خودشان را بدیوار نصب کنند و حتی الصاق کنندگان را مضروب و جلب میکردند ولی برای اینکه وقت

آقایان تضییع نشود از قرائت متن روزنامه خودداری می کنند .
ماده هفتم - گزارش شبه آقایان اینجارا توجه بفرمائید یک نکته بسیار شیرینی است افراد در چند شبهه رای داده و شناسنامه آنها مهر نمیشده و نیز شناسنامه های بیصاحب و یا از طرف غیر صاحب آنها مورد استفاده واقع شده و از خارج تهران اشخاص را آورده و رای داده اند .

در جواب این اعتراض گفته میشود اگر رای زائد در صندوق ریخته شده باشد طبق ماده ۳۰ قانون انتخابات موجب بطلان انتخابات نیست بلکه باید آراء زائده را از مجموع آراء کسر نموده و مابقی را قرائت نمایند .

و آراء زاید باز طرف رای دهندگان عمداً یا سهواً از طرف اعضاء شبه ممکن است ریخته شود و فرقی نیست بین اینکه یک نفر زائد بر یک رای دفته در صندوق بیننازد یا در صندوق های متعدد رای بدهد و اگر غفلتی در مهر کردن چند شناسنامه هم شده باشد خللی بصحت انتخابات وارد نمیشود بنا بر تبعیت از ماده سی در هر مورد که کشف شد که یک نفر بیش از یکنوبت رای دهنده است بآراء زاید باید طبق ماده مزبور عمل شود و چون تعداد تفرقه های مکرری که اظهار شده بدست آمده بر فرض صحت تزلزلی با اکثریت منتخبین وارد نمیشود از این جهت هم اشکالی وارد نیست و بکار بردن شناسنامه از طرف غیر صاحب آن در چند مورد که کشف شد بانجمن فرستادیم و تفرقه برای دهندگان فوق داده نشد و دلیلی بر اینکه از خارج حوزه انتخابیه تهران کسی را بتهران آورده و رای داده باشند بدست نهانده است اما جواب انجمن خیال کرده است که ما گفتیم یک نفر تصادفاً موفق شود در یک صندوق عوض یک رای چند رای بیبنا سازد در اینصورت البته وقتی آخر کار صندوق را رسیدگی کردند و حساب کردند و دیدند که عده آراء موجوده در صندوق بیشتر از عده تفرقه هائی است که صادر شده است آن زیادی را باطل میکنند اما حرف ما کاین نبود ما گفتیم که یک نفر موفق شده است از چند انجمن تفرقه بگیرد و در چند صندوق با یک شناسنامه رای بیاندازد بنا بر این چطور ممکن است آن رای زیادی منظور کرد زیرا تفرقه او تفرقه مکرر بوده است و رای هم باندازه تفرقه ریخته شده است آقایان بفرمائید بنده بدون مدرک صحبت نمیکنم این پاکت بنده مملو است از تفرقه هائی که اشخاص با شناسنامه واحد موفق شده اند هفت الی هشت تفرقه از صندوق ها بگیرند اینجا اگر قابل انکار است من حرفی ندارم بنده تمام آنها را بمقام ریاست تقدیم میکنم . پس تصدیق بفرمائید که . (امینی - بگذارید آنچه بینم دلایلی که انجمن نظار آورده است که اگر یک نفر چند ورقه رای داشته باشد در موقع حساب آراء آن زیادی

را باطل میکنم و از حساب کسر میگذاریم صحیح نیست زیرا ماده ۳۰ قانون انتخابات ناظر به موردیست که یک نفر موفق شده باشد که در یک صندوق چند رای ریخته باشد نه اینکه یک نفر با گرفتن چند تفرقه در چند صندوق مختلف رای داده باشد این که گفته اند از خارج حوزه انتخابیه کسی را بتهران بیاورده اند گمان میکنم این موضوع بعد شباع رسیده اند که در جریان انتخابات از سائیه های راه آهن در راه قم در رامنجان در راه سمنان تمام عهله ها را حمل و برای رای دادن بتهران آوردند و سپس مراجعت داده اند و اگر بخواهید دلیل و مدرک آنرا بدانید خواهش میکنم مراجعه کنید بصورت درآمد ترهائی دولت در آن ایام ، و ببینید که ترن های دولت همان قدر عاریبی داشته اند که در ایام عادی داشته اند یا خیر و باز در قسمت دهم گزارش انجمن اعتراضی شده است که در شبه ه از بخش انجمن نظار آراء را میدیند که این عمل مخالف ماده ۲۵ قانون انتخابات است بنده ماده ۲۵ را از اول میخوانم که موضوع درست روشن شود .

ماده ۲۵ میگوید - دادن رای باید مخفی باشد و باین جهت رای دهندگان قبل از ورود بمجلس انتخاب اسمی یک یا چند نفر منتخبین خود را مطابق عده ای که اعلان شده است در کاغذ سفید بی نشان باید نوشته بیچیده با خود داشته باشند بنده میخواهم توجه آقایان را جلب بکنم (بکله بیچیده) که در قانون صریحاً ذکر شده است حال ببینیم در جواب اعتراض ما انجمن چه گفته است آقای مقانی جنابعالی قاضی هستید درست توجه بفرمائید .

انجمن میگوید ، آقای احمد اخوان فوراً برای بازرسی اعزام شدند و چنین گزارش میدهند که اعضاء نامبرده برای وقت این که هر نفر بیش از یک رای در صندوق رای نیندازند . رای دهندگان را وادار کرده بودند ورقه رای را رو بخود گرفته باز نمایند برای این که به بیبند مبادا دو تا رای داده باشند اقرار انجمن تخلف از ماده ۲۵ صریح است ، قانون میگوید که رای را باید بیچیده همراه داشته در صندوق بیبنا سازند و خود قانون راه قلب آنرا هم در صورتیکه اصیاناً یکی دو رای زیادی ریخته شود پیش بینی نموده و ماده ۳۰ ناظر بر این مورد است بدینجهت با وجود صریح ماده ۲۵ و ۳۰ عمل انجمن بخلاف قانون بوده است ، و اما یک نکته را انجمن فراموش کرده است جواب بدهد و آن این است ، در شکایاتی که ما بانجمن نوشته بودیم اینطور تذکر داده بودیم که اعتراضات مانتعصبه مراد فوق نیست اطلاعات و اعتراضات دیگری هم داریم از قبیل اعتراض بقرائت آراء و غیره که قبل از اطمینان به رسیدگی انجمن نمیتوان آنها را اظهار کرد و چنانچه از روی حقیقت نظارت مرکزی برای رسیدگی حاضر شود و یک عده از مأمورین قضائی محل و ثوق

و بعضی از معتمدین شهر را در این رسیدگی شرکت دهند و بلا درنگ دفاتر انجمن صورت مجالس و مهر ها و صندوقها و آنچه را که در تصرف انجمنها بوده توقیف و تأمین نمایند شهرد و مطلعین حاضر خواهند بود که اطلاعات خود را از بی ترتیبی هائی که در جریان انتخابات واقع شده اظهار کنند و از طرف اعضاء کنندگان هم نمایندگانی برای دادن توضیحات بیشتری حاضر خواهند شد و چنانچه قبل از این رسیدگی اقدامی از طرف انجمن نظارت مرکزی انتخابات طهران در صدور اعتبارنامهها بشود در انظار ملت ایران که تصمی غیر عادلانه و برخلاف قانون تلقی شده و نتیجه آن معلوم است بکجام منتهی خواهد شد) آقایان - مقصود این است ما در طی شکایتیکه در هفته اعتراض بانجمن دادیم تمام اعتراضاتی که مدلل بود نوشتیم ولی یک سلسله شکایات دیگری داشتیم که برای اثبات آنها محتاج بتأمین دلیل بودیم ، آقایانیکه در عهله کار میکنند میدانند که ادله جرائم را در حین وقوع و قبل از محوشدن باید تأمین کرد ، جرائمی هست که بآنها جرائم مشهود میگورند که اگر در موقع خودش آثار جرم را تأمین کردند بعد باسانی میشود جرم را ثابت نمود ولی اگر آثار جرم از بین رفت دیگر نمیشود آنرا ثابت کرد ، ما از انجمن خواستیم و گفتیم خوبست که یک مأمور قضائی بکار های شما رسیدگی بکند تا بعد ما مورد اعتراض قرار نگیرید و به شماها نتوانند ایراد کنند مثلاً وقتیکه مشاوره های رای را سوزانید ما دیگر چطور میتوانیم نشان بدهیم که ده هزار رای بخط یک نفر نوشته شده است در صورتیکه ما شهردی داشتیم و آنها دیده بودند که تمام ورقهها که خوانده میشود همه یک خط است این عمل خودش مخالف سری بودن رای است اگر شما آنوقت اجازه داده بودید که ما حرفمان را بر زمین مایشما نشان میدادیم که تمام آراء صندوق راه آهن یا صندوقهای دیگر که مورد شکایت بوده است اینها تمام آراءش بخط یک نفر بوده است . دکتر طبا بی سوادها چکار کنند اگر بخواهند رای بدهند؟ بلی ما ملائمتی و استیم بشما ثابت کنیم که در شهرستانک و آدران که رفتند رای بگیرند اهالی مقاومت کردند و رای ندادند بالاخره شناسنامه هائی را از خارج آوردند و تفرقه ها را نوشتند و آرائی هم در صندوق ریختند ولی جز ۹۳ رای که از کارخانه گاجره است بقیه که قریب هزار رای و چند صد میباشد همه بدون صاحب است آقایان من خلاف نمیگویم اکنون هم ما حاضریم ثابت کنیم اگر شما آقای مخبر شبه نشان دادید که یک تفرقه یعنی یکی از تفرقه های شهرستانک صاحب داشته باشد و آنرا در شهرستانک بیا تعویب دادید بنده تمام این اعتراضات خودم را پس میگیرم البته غیر از آن ۹۳ نفر که عرض کردم . ما شهرد و دلایل زیادی داریم که طرز رسیدگی مجلس شورای ملی با اعتبار نامه ها اجازه نمیدهد که بنده بتوانم از آنها در اینجا استفاده کنم

انتصابات و احکام

در وزارت کشور

آقای محمود منطقی رئیس دایره دوم اداره کارگزینی از تاریخ ۷ مرداد ۱۳۲۶ بسمت فرمانداری شاهرود منتقل شدند

آقای علی اکبر میر شب بازرس وزارت ملی از تاریخ اول مرداد ۱۳۲۶ بسمت فرماندار ساوه منتقل شدند

آقای هادی شاهنواز فرماندار شهرستان ساوه از تاریخ اول مرداد ۱۳۲۶ بسمت فرماندار شهرضا منتقل شدند

در وزارت فرهنگ

آقای محسن حداد ریاست دبیرستان دارالفنون منصوب شدند

روزنامه رسمی (گردیده لذا اداره کل ثبت بدین- وسیله مفادادنامه مزبور رادر موردشما اجرا مینماید مدیرکل ثبت

آقای جلال علوی سدهی

بموجب این ابلاغ دفتر شما را در دهکدههای زمان و اندوان ماربین اصفهان برای ثبت ازدواج رسمیت میدهد

وزیر دادگستری

آقای مرتضی شکوری سر دفتر اسناد

رسمی و ازدواج قصبه فریمان

ابلاغ شماره ۱۴۹۶۶-۳۱۴۱۵-۲۶-۱۱۱۲۰۵
موضوع معافیت شما از تصدی دفاتر اسناد رسمی و ازدواج فریمان ملغی الاثر میشود کما فی السابق مشغول انجام وظیفه شوید

وزیر دادگستری

آقای حسین پرومند قومنی

بموجب این ابلاغ دفاتر شما رادر قومن برای ثبت ازدواج و طلاق رسمیت میدهد

وزیر دادگستری

آقای محمد امینی سر دفتر اسناد رسمی

شماره ۱۵ شاهرود

چون بموجب دادنامه قطعی مورخه ۱۹ اردیبهشت ۲۶ دادگاه بدوی انتظامی سر دفتران نتیجه رسیدگی بتخلفات شما منتهی بحکومت مندرج در شق دوازده ماده ۴۲ قانون دفتر اسناد رسمی (توییح با درج در

اگر طرز رسیدگی تشکیل يك کمیسیون را اجازه می داد بنده شهودی می آوردم تا ملاحظه بشود و معلوم گردد که دلایل ما مبنی بر عدم آزادی انتخابات خیلی بیش از اینها میباشد

رئیس - يك پیشنهاد مفصل رسیده است آقای دکتر اگر اجازه می فرمائید جلسه ختم شود

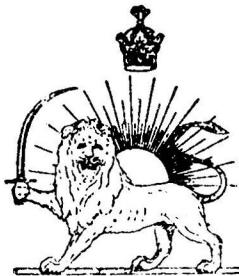
دکتر مقیم دفتر - بنده موافقم

رئیس - اگر آقایان اجازه میفرمایند جلسه را بعنوان تنفس ختم کنیم ، جلسه آینده پرونده شنبه ساعت ۸ صبح موکول میشود (مجلس مقارن یکساعت بعد از ظهر ختم شد)

آقای عبدالکریم خطیبی سر دفتر اسناد

رسمی شماره ۸ ملایر

چون بموجب دادنامه قطعی مورخه ۴ اردیبهشت ۲۶ دادگاه بدوی انتظامی سر دفتران نتیجه رسیدگی بتخلفات شما منتهی بحکومت مندرج در شق دوازده ماده ۴۲ قانون دفتر اسناد رسمی (توییح با درج در روزنامه رسمی) گردیده لذا اداره کل ثبت بدینوسیله مفاد دادنامه مزبور را در مورد شما اجرا مینماید مدیرکل ثبت



روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی ایران

شامل: متن قوانین - تصویبنامهها - صورت مفصل مذاکرات مجلس شورای ملی
سؤالات - اخبار رسمی - فرامین - انتصابات - آئین نامهها - بخش نامهها - آگهی های رسمی

شماره تلفن: اداره ۵۴۴۸ - اطاق رئیس ۹۴۴۱

۴ شنبه ۲۱ مرداد ماه ۱۳۲۶

مدیر سید محمد هاشمی

سال سوم - شماره ۷۲۳

صفحه ۱۸۷۷

دوره پانزدهم قانونگذاری

شماره مسلسل ۱۴۸۲

روزنامه یومیه

فهرست مندرجات

- ۱ - صورت مشروح بقیه مذاکرات چهارمین جلسه دوره پانزدهم از صفحه ۱ تا ۲
- ۲ - آگهی های رسمی ۳

مذاکرات مجلس

بقیه جلسه ۴

مجلس نیمساعت بظهور روز سه شنبه ۲۰ مرداد بریاست آقای رضا حکمت بعنوان بعد از تنفس تشکیل گردید .

رئیس - جلسه قبل مجلس روز سه شنبه ۱۳ مرداد بعنوان تنفس تعطیل شد . یک پیشنهادی در دستور بود از طرف آقای دکتر راجی و دیگران و با آن پیشنهاد مخالفت شد و حالا هم آن پیشنهاد مطرح هست . آقای دکتر راجی برطبق ماده ۱۰۹ میخواهند یک بیاناتی بفرمایند .

(جمعی از نمایندگان بفرمایند)
رئیس - آقای دکتر راجی .

دکتر راجی - علت پیشنهاد بنده راجع به تغییر دستور این بود که اولاً مجلس هنوز رسماً پدید نکرده مطابق قانون تا هیئت رئیسه مجلس انتخاب نشده اند مجلس رسمی نیست و نمیتواند وارد کارهای اساسی بشود (صحیح است) و از طرف دیگر دولت هم تکلیفش هنوز همین نشده چنانچه آقایان ملاحظه میفرمایند اغلب وزارت خانهها بی وزیر است و هر وقت مایک مراجعاتی با آقایان وزراء می کنیم تقاضای مشروعی راجع بحوزه های انتخابیه خودمان داریم آقایان میگویند هنوز تکلیف خود مامعلوم نیست . از طرف دیگر هم ، اوضاع جهانی و وضعیت بین المللی ایجاب میکند که هر چه زودتر مجلس رسمی بشود

(جزاوار - مجلس رسمی هست ولی آماده کار نیست) . بلی آماده کار بشود که اگر یک وقتی احتیاجی شد مجلس بتواند نظریه خودش را در امری اظهار کند . آقای ملک مدنی در اعتراضی که فرمودند گفتند که دسته بندی کردند . بنده با آقایان اطمینان بندهم که اگر وارد یک دسته بندی میشوم آن دسته بندی بر صلاح کشور خواهد بود (صحیح است) و وارد دسته بندی هائی که سوء استفاده یا یک اعمال نامشروعی باشد نبوده و نخواهم بود (بعضی از نمایندگان - صحیح است) . آقای ملک مدنی فرمودند که باید مجلس هر چه زود تر تصفیه شود (یعنی اسفندیاری - در مجلس که نگفته آقا) چرا قربان در مجلس گفته ، بنده تصور میکنم که یک قدری دیر باین صرافت افتادیم (صحیح است) حقش بود که از روز اول باین صرافت می افتادیم و اگر این فکر را روز اول کرده بودیم عده از آقایان شاید اینجا ننشسته بودند (صحیح است) و از طرف دیگر هیچ تباہی ندارد هیئت رئیسه انتخاب بشود ، رئیس و منشی و کاربرد از تعیین شوند ، در عین حال باعتبار نامه ها رأی گرفته شود برای اینکه مطابق تجربه گذشته یک اعتبار نامه ممکن است چند روز وقت مجلس را اشغال کند و کار های رسمی مجلس بر عهده

تعویق بیفتد و از طرف دیگر تعیین هیئت رئیسه اصلاً جزء دستور است همین قدر که سه ربع نمایندگان اعتبار نامه شان تصویب شد ، رئیس موظف است که هیئت رئیسه دائمی را معین بکند باین جهت بنده این پیشنهاد را کردم و خیال میکنم هر چه زودتر تکلیف هیئت رئیسه معین بشود کار زودتر تمام میشود . (صحیح است)

صادقی - رأی به پیشنهاد بگیریید .

رئیس - عده برای رأی کافی نیست آقای فرامرزی بفرمائید .

فرامرزی - عرض کنم که تذکری هم که بنده می خواستم عرض بکنم از این بابت هست با اینکه ما زیاد سعی کردیم که حل بشود در خارج و تابع اکثریت مجلس بشویم معذالک متأسفانه می بینم نشده است اینکار . یکمده از آقایان که تصور کرده اند همچو بنظرم می آید ممکن است مجلس رأی برخلاف نظرایشان بدهد تشریف نیاورده اند در مجلس ولی فکر میکنم که آیا این آقایان معتقدند که مجلس نباید بشود ؟

برای اینکه اگر ایشان حقدارند وقتی دیدند مجلس برخلاف رأی ایشان رأی میدهد بروند بیرون چه چیز این حقرا از ما سلب میکند ؟ (صحیح است) پس اگر ما بگوئیم که اکثریت میرد برویم بیرون آنها چه چیز میتوانند بمانند بگویند ، میگوئیم آقا شما آن روز رفتید بیرون ماهم امروز میرویم بیرون . این مجلس تا آخر میتواند عمل بکند یا نمیتواند عمل بکند ، بنده خیلی دوست دارم که هر کس وقتی

که قضاوت میکند خودش را بگذارند در جای طرفش بکویید که آقا وقتی که من خواستم بروم، به بینم می توانم این عمل را بکنم یا نه. علت اینکه در مملکت ایران همیشه امور متشنج است، همیشه کارها پیش نمیرود برای اینست که هر کس خیال میکند که باین امر فقط عقل خودش می رسد عقل طرفش نمیرسد، خیر قربان، عقل ما هم میرسد که شما وقتی بخواهید بروید ما هم برویم بیرون، اگر شما کاری میکنید ما هم میکنیم اگر نمیکند ما هم نمیکند اینجا دو مسئله مطرح است، یکی انتخاب هیئت رئیسه است، یکی دیگر اعتبار نامه چند نفر که اعتبار نامه شان تصویب نشده است یا با آنها اعتراض شده است، این مجلس يك مجلسی نیست که تازه سبز شده باشد، این دوره پانزدهم است، چهارده دوره قبل از ما عمل شده است باید نگاه کرد در این که این چهارده دوره قبل از ما مجلس چه جور عمل کرده همان جور عمل میکنیم آنوقت خوشه زاینستکه غالباً اعمال فرض که بنا نسبت میدهند، اگر ما فرض داریم چرا ما وضع را متشنج نمیکند بنده معتقد بودم البته هیچ فرضی هم ... نمیکویم هیچ فرضی ندارم، هیچ بشری نیست که در دنیا فرضی نداشته باشد ولی وجدان خودم از من راضی است که این فرضی که دارم در راه صلاح مملکت است، ممکن است اشتباه بکنم ولی مطمئناً وجدان خود من از من راضی است (صحیح است) انتخاب هیئت رئیسه را ما گفتیم جلو بیفتد بعلت اینکه موجب این تشنج هیچ نیست غیر از اختلاف نظر در انتخاب رئیس، يك چیزی که همیشه مجلس را متشنج میکند زودتر این قضیه اش تمام بشود راه این عمل را هم اصول پارلمان دنیا حل کرده من عقیده ام این است که باید میرزا حسین بشود او عقیده اش این است که حتماً باید میرزا حسن بشود و هر دو عقیده داریم که عقیده ما مقدس است، این يك رسمی دارد و آن این است که مجلس رأی میدهد، هر کس که رأی اکثریت با او بود او برده در مجلس اکثریت اقلیت برای این درست کرده اند هیچ مجلسی نیست در دنیا که راجع به هیچ امری تمام و کلاه رأی بدهند مگر خیلی چیز های مهم یا اتفاقی بنا بر این مانا چار هستیم برای این که عمل بشود تابع اصل پارلمانی باشیم یعنی مطرح بشود رأی بگیرند رأی مجلس هم مقدس باشد، صحبت همه اش بهانه این است که میگویند چند نفر که نباید همکاری با و کلاه بکنند در این مجلس نباید باشند ممیز این چیست؟ مشخص این عمل چیست؟ اگر انتخابات است هر کس اعتبار نامه دستش است و قبولی و کالتش را هم نوشته و کابل است مگر این که مجلس رد بکند تا وقتی هم که مجلس رد نکرده است این وکیل ملت است، اگر علمی در خارج دارید بوالله العظیم راجع ب دیگران هم این علم هست همین هائی که حرف میزنند همین علم با ایشان هم هست (صحیح است) یا باید تابع اصول پارلمانی بشوید یا تابع مردم علم مردم راجع بهمین هائی هم که صحبت میکنند هست چرا آقایان راجع بشخص خودشان بتنهائی قضاوت میکنند و تنها قاضی میروند من استدعا میکنم از آقایان برای اینکه تشنج در کار نشود برای اینکه

مجلس ۱۵ از اول مواجه با مشکلات نشود و برای اینکه این سوء ظنی که در خارج راجع بمجلس موجود است تأیید نشود مجلس سند ندهد بدست مخالفین که واقعا آنها درست میگویند. بیائیم تابع اصول پارلمانی بشویم هر چه شده شد. علمی ای حال مجلس رأی خودش را بدهد (صحیح است) هر کس مجلس بهش رأی داد وکیل ملت است، هر کس هم مجلس بهش رأی نداد تا مجلس رد نکرده وکیل ملت است وقتی مجلس رد کرد میروند بیرون. بیائیم تابع عمل بشویم والا اگر نباشد که اینطور مجلس را روی نظر شخصی که من عقیده دارم آدم نباید پیش خودش فکر کند ما هم بیائیم ده پانزده نفر را راه بیندازیم و مجلس را برضد یکمده ای متشنج بکنیم آیا این عمل صحیح است، اگر صحیح نیست آقایان نباید بکنند و اگر این عمل صحیح است باید بدانند که این عمل را میتوانند تا ۲۲ سال طول بدهند و هیچ وقت هم مجلس تشکیل نشود بوالله من عرضی که میکنم هیچ فرض خصوصی بهیچکس ندارم. من باهیچیک از کاندیداهای ریاست مخالفت شخصی ندارم و اینکه میگویم از روی مصالح مملکت است.

حاذقی

رئیس - یکمده از آقایان اجازه خواسته اند، البته چیزی هم در دستور نداریم آقایان هم که در خارج هستند فرستادیم تشریف نیآوردند گفتند نمیآئیم حالا نظر مجلس چیست؟
حاذقی - بنده پیشنهاد کردم اسم آقایان قرائت شود.

رئیس - چندین اجازه خواسته شده و نوبت آقای آشتیانی زاده است.

یکنفر از نمایندگان - چی مطرح است؟
رئیس - چیزی مطرح نیست عرض کردم الان پیشنهادی آقای حاذقی فرمودند. پیشنهاد ایشان هم ممکن است مخالف پیدا کند و مجبور بشویم رأی بگیریم و عده هم برای رأی چهار نفر کم داریم؛ ۸۴ نفر برای رأی لازم است و ۸۰ نفر در مجلس بیشتر نیست بنابراین چهار نفر کم داریم.

امینی - اعتبار نامه ها که فعلا رأی نمیخواهد مذاکره میشود.

یهمین اسفندیاری - جلسه بروز پنجشنبه موکول بشود.

حاذقی - آقا عده ۸۰ نفر است ۴ نفر احتیاج داریم.

رئیس - اگر مذاکره بترتیب باشد نوبت آقای آشتیانی زاده است آقا صحبتی دارید بفرمائید.

آشتیانی زاده - عرض میشود بنده پیشنهادی در جلسه گذشته تقدیم کرده بودم که لطف فرمودید و اصلا قرائت نشد. پیشنهاد بنده مبنی بر فرض نبود مقصود اصلی بنده این بود که تکلیف شهرداری و اعضاء شهرداری و شهردار معین شود. چون ملاحظه میفرمائید تا بریر روز گذشته که هیچمدهم برج بود اعضاء شهرداری هنوز حقوق خود را نگرفته اند و آقای مشایخی هم مشغولند. البته باید فعالیت بکنند برای تثبیت کار خودشان.

رئیس - پیشنهاد شمارا بخواهیم وارد کنیم، بجز دیگر بر میخوریم.

آشتیانی زاده - بنده میخواهم تکلیف شهرداری و اعضاء شهرداری و همچنین وزارت کار معین بشود تا وضع شهرداری از این تشنج خارج بشود یا استعفاء بکنند از شهرداری یا از وکالت استعفا بدهند که باین تشنج هم خاتمه داده شود.

مشایخی - اجازه بفرمائید بنده تذکر مختصری دارم.

رئیس - يك پیشنهادی آقای دکتر معظمی فرمودند که جلسه ختم بشود و بروز پنجشنبه موکول بشود مخالفی نیست؟

بعضی از نمایندگان مانعی ندارند.

مهندس رضوی - مخالفم.

دکتر معظمی - میخواهم عرض کنم چون عده برای رأی کافی نیست و کتبه مسائلی که در دستور است محتاج برای است و علاوه بر این آقایان همکاران ما هم که در خارج هستند فرصت باشد که با آقایان هم صحبت بشود، تا جلسه پنجشنبه اکثریت پیدا کنند اینستکه بنده تاریخ تشکیل جلسه را پنجشنبه تعیین کردم. شاید تا فردا آقایان توافق پیدا کنند.

رئیس - آقای مهندس رضوی مخالفید بفرمائید.

مهندس رضوی - بنده البته با پیشنهاد آقای دکتر معظمی مخالفت کردم نه برای اینکه نظری غیر از نظر ایشان داشتم ولی برای اینکه خود ایشان را هم متذکر بکنم. آقا اوضاع جهان و اوضاع مملکت ایران عادی نیست و بنده تصور نمیکنم که ما وکیل ملت باشیم و باز بخانه برویم و هیچ کاری انجام نداده باشیم بنده عقیده دارم بجای این که پیشنهاد پنجشنبه را بفرمائید تصمیم بگیرند آقایان در محوطه مجلس شورای ملی بمانند و از این قبیل او بستر کسینوها جلوگیری بفرمایند و بالاخره تکلیف هیئت رئیسه دائمی مجلس و همچنین اگر هم واقعا اکثریت نیست تکلیف اعتبار نامه های باقیمانده را معین بکنند و بعد بمنزل برویم که اقلا در مقابل خانواده خودمان مفتخر باشیم (صحیح است).

رئیس - يك پیشنهادی از آقای رضوی رسیده است که فردا جلسه گمان میکنم این مقدم است.

دکتر معظمی - پیشنهاد بنده مقدم است.

رئیس - رأی که نمیشود گرفت علمی ای حال ما که نمیتوانیم رأی بگیریم.

آشتیانی زاده - فردا نمیشود، پنجشنبه.

یهمین اسفندیاری - پنجشنبه را اعلام بفرمائید.

رئیس - چون رأی نمیشود گرفت بنابراین بروز پنجشنبه ساعت ۸ و ۵ موکول میشود.

(مجلس ده دقیقه بظهور ختم شد)

رئیس مجلس شورای ملی رضا حکمت